

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران
دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۶
شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵۰ ریال

هدف امپریالیسم امریکا: سرکوب یا مسخ انقلاب

امپریالیسم امریکایی، چنانکه حتی مطبوعات بورژوازی آمریکا و اروپای غربی نیز به تفصیل می‌نویسند، در تدارک یورش تازه‌ای به قصد براندازی جمهوری اسلامی ایران است. ایجاد پایگاه‌های جدید در سومالی، عمان، مصر، کنیا؛ تمرکز نیروهای عظیم دریایی و هوایی در عمان و دیگو گارسیا، آمادگی عراق و قاطع دیگر، اجراء نقشه است که نام مضحک آمریکائی-مآبانه جیمز مانتی «جبهه مثبت ۸۰» بدان داده شده است. این تدارک‌های علنی نظامی، تمرینهای مختلف در صحرائی نوادا و سواحل آمریکا، ایستن مقالات حساب‌شده در جراید غرب و این اظهارات مسمائی آقای هارولد براون وزیر دفاع آمریکا و دهها واقفیت عیان و نهان دیگر، نشان میدهد که آمریکا برای حفظ مواضع مترارزل خویش در منطقه نفت‌خیز خاورمیانه، سخت نیازمند تظاهر به قدرت و «هارت و پورت» کردن است، تا «خله قدرتی» که از سقوط رژیم نظامی - پلیسی پهلوی در این عرصه پدید شده، به نحوی پیر گردد و آمریکا بتواند متاع راهزانه خود را در

پیشنهاد حزب توده ایران را برای تشکیل «کنگره تفاهم ملی» جدی بگیرید

مصحابه‌ای که نامه مردم با رفیق نورالدین کیانوری بصل آورده و متن آن در شماره ۳۲۵ (پنجشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۵۹) انتشار یافته، یک مصاحبه عالی نیست. در این مصاحبه زمینه‌ها و عوامل پیدایش ناخردسندی رشد یابنده‌ای که میتواند منجر به بحران شود، ساختار نیروهای ضدانقلاب، ستاد آن، نحوه عمل آن در بهره‌گیری از زمینه‌های بحران، برای ایجاد بحران، بقصد ایراد ضربه بر - اندازی جمهوری اسلامی ایران، قیبه در صفحه ۸

تقویت سپاه پاسداران، تحکیم انقلاب است

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: دست‌هایی در کار است که مردم را نسبت به انقلاب بی تفاوت کند

سپاه پاسداران (باید) به بهترین نحو تجهیز و پشتیبانی بشود

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، در خطبه‌های نماز جمعه دیروز، درباره تلاش‌هایی که در جهت بی‌تفاوت کردن مردم نسبت به انقلاب بعمل می‌آید، از جمله گفت:

دست‌هایی در کار است که مردم را بی‌تفاوت کند... به برادران مسئول در سطوح بالای کشور، همچنین در مواردی به عامه مردم که تمام وظیفه ما اینست که کوشش کنیم حالت بی‌تفاوتی نسبت به انقلاب و سرنوشت انقلاب در مردم بوجود نیاید و تاکنون بحمدالله هنوز در موارد بسیاری در مردم بی‌تفاوتی نیست... ما به گوشه و کنار مملکت مسافرت می‌کنیم،

مردم را از نزدیک می‌بینیم و احساس می‌کنیم که چطور شور و هیجان انقلابی در این مردم هنوز زنده است و ما مسئولیم. ما مسئولیم که از این شور و هیجان استفاده کنیم. مانی که باید در داخل مملکت و در سطح جهانی این شور و انقلاب را یسکار بگیریم...

وی سپس به تبلیغات رسانه‌های گروهی امپریالیستی علیه انقلاب ایران و استفاده بعضی از مطبوعات و رسانه‌های گروهی داخل کشور از آنها اشاره کرد و گفت:

«وضع تبلیغات جهانی علیه ما روز به روز شدیدتر میشود. این کار مملکت مسافرت می‌کنیم،

زمانی که حرکت خروشان توده‌ها، بساط‌خیزان دودمان پهلوی و خدایگان آن، امپریالیسم آمریکا را از سر راه رویداد بر آسمان انقلاب، ستارگانی پدیدار شدند، که پاسداران انقلاب اسلامی، نام گرفتند. سپاه پاسداران، که از درون شمله‌های انقلاب سر برکنید، بود، وظیفه حراست از انقلاب را بر دوش گرفت و این دورانی بود که ضدانقلاب به سوراخ‌خیزید و در کمین فرصت بود، تا حمله مجدد خود را بر صف متحد توده‌های مردم سازمان دهد و انقلاب را، که با پیگیری خونین و مجروح و داغدار، هنوز گلهای خود را بر زمین محکم نکرده بودند، به خاک و خون کشد. هر مرکز اختیاری ضدانقلاب، کانون توطئه‌ای بود علیه انقلاب، و این مراکز یکی و دوتا نبود، بلکه سدها و هزارها بود. از همین مراکز بود که هر شب ضدانقلاب، این گرگان زخم‌خورده، برای نقل و انتقال سلاح، برقراری یونته‌ها، رد و بدل اطلاعات و ضرب‌زدن به مردم انقلابی بحرکت درمی‌آمد، و هر کجا که با خطر پاسداران و کشته‌ها روبرو میشد، آنها را به رگبار گلوله می‌ریخت و این جان‌های جوان را بخون میکشید.

سراسر کشور کتاف این گرگان بی‌آزم بودی پاسداران لذیذترین ملمه برایشان، زیرا که در پیشانی این جوانان از جان گذشته انقلابی آیه مرگ خود را می‌خواندند.

اما پاسداران بی‌جراس از خطری که روز و شب بر اموالشان چرخ می‌چورد، با ایمانی بی‌خلل و اراده‌ای بی‌ترزله سلاح در دست، در سنگرهای خود از انقلاب دفاع

بازار طاغوتی مانده، باید تصفیه شود

امام خمینی در دیدار عصر چهارشنبه شهریور با کارکنان موسسه اطلاعات، یک مسئله بسیار مهم از نظر تربیت و تصفیه نیروهای انقلاب اشاره کردند. امام خمینی گفتند:

«باید بازار تصفیه بشود... بازار از آن بازار طاغوتی دریا، یک بازاری که موافق احکام اسلام است، اداره بشود»

اشاره امام خمینی به تصفیه بازار و طاغوت‌زدایی در آن، اشاراتی نیست که دفعه اول بعمل آمده باشد. امام خمینی در سخنرانیها و رهنمودهای قبلی خود نیز بدفعات به این مسئله مهم از نظر تربیت و تصفیه نیروهای انقلاب اشاره کرده‌اند. اما اکنون اظهار صریح امام خمینی درباره تصفیه بازار اشاره خاصی است، و معنی و مفهوم بسیار جدی و اساسی دارد. می‌توان گفت که این بار امام خمینی هستند، که با دوربینی و زرف‌نگری خود، افکار عمومی و نظر مسئولین جمهوری اسلامی را بختری جدی برای سلامت و بقای انقلاب جلب کرده و رفع فوری و قاطع این خطر را گوشزد می‌کنند. بهینیم تذکر و زرف‌نگری امام خمینی در مورد ضرورت تصفیه بازار و طاغوت‌زدایی در آن، بر چنابیه و اساسی استوار است!

قبل از ورود به بحث، بیجاست بازار را به‌شناسیم و ترکیب اقتصادی اجتماعی آن را از نظر بگذرانیم. در وهله نخست چنین بنظر میرسد که بازار طیف همگونی مرکب از بازرگانان و پیشه‌وران کم و بیش هم‌تراز را تشکیل میدهد، که منافع اقتصادی اجتماعی مشترکی دارند. چنین تصویری، اگر در زمانهای قدیم هنگامیکه بازار مرکز مبادله کالاها تولیدی در داخل کشور و مجتمع پیشه‌وران سنتی بود، مقرون بواقعیت باشد، لیکن از دوران تسلط استعمار و بویژه امپریالیسم بر ایران، رفته‌رفته بکلی اسامات خود را از دست داده است.

واقعیت عبارت از اینست که بازار ایران، حتی قبل از انقلاب مشروطه، از صورت لطیف همگون و دارای سرنوشت مشترک در آمد و تحت یک مفهوم، دو بازار بوجود آمد:

یک بازار که از نظر اقتصادی ضعیف، ولی از نظر اجتماعی کثیرالمده بود، همان اسامات اولیه خود را در واسطه‌بودن در مبادله کالاها تولیدی در داخل کشور و تأمین نیازمندیهای مردم به کالاها صنعتی تولیدی در داخل حفظ کرد. بازار دوم، که از نظر اقتصادی رو به فریب‌شدن گذاشت و قشر محدود و معدودی را در بر می‌گرفت، اسامات خود را از دست‌داد و بتدریج عهدمدار ایفای نقش دلالی فروش کالاها خارجی گردید. می‌توان بصراحت گفت که بازار اخیر، بویژه در طی یک قرن اخیر، رفته رفته نقش عمده‌تری در اسامات اقتصادی سیاسی و عقب‌ماندگی اجتماعی ایران ایفا کرده و میکند. تقسیم بازار به دو قشر متمایز از هم: بازرگانان متوسط الحال، اسنات و پیشه‌وران مرتبط با امر مبادله و تولید داخلی از یکطرف، معدودی بازرگانان و بازاریان عمده‌ای که نقش دلالی کالا و سرمایه خارجی را در

اشخاص متفرقه! دفتر نشریه هفتگی اتحاد مردم، را اشغال کردند

توطئه اشغال دفاتر نشریات ادامه دارد

دفتر نشریه «اتحاد مردم»، ارگان سازمان اتحاد دمکراتیک مردم ایران، توسط «اشخاص متفرقه» اشغال شد. پنجشنبه گذشته، گروهی از عناصر مشکوک بدفتر نشریه هفتگی «اتحاد مردم» که در آن ساعت تعطیل بود، رفتند آنها را یا شکستن در دفتر وارد آن شدند و آن را به اشغال خود درآوردند.

اشغال دفتر نشریه «اتحاد مردم»، پدیده اشغال دفاتر سایر احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی از جمله و بویژه حزب توده ایران، نشان‌دهنده این امر است که توطئه ضدانقلاب برای ایجاد جو تشنج و درگیری در جامعه، که زمینه کودتای آمریکا را فراهم می‌کند، ادامه دارد. اشغال دفتر «اتحاد مردم» با وجود سخنان امام خمینی، اعلامیه دادستان کل کشور، سخنان رئیس جمهوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس دیوان-

سواکی‌ها

نقش رهبری مائولیستی چین در توطئه‌های امپریالیسم امریکایی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

هر کلام نسجیده میتواند مانند تیری بر قلب وحدت خلق بنشیند

کارگران اداره بندر بوشهر نیروی کار خود را چه ارزان می‌فروشند

ما از انقلابمان زمین، آب و دفع شر بزرگ مالک را می‌خواهیم

مزارشی از وضع دهقانان اطراف آراك

مردم از این نهاد انقلابی، که به گفته امام خمینی، «اگر سپاه توده، انقلاب نبود، یک جریان مخالفت با نهادهای انقلاب و از جمله سیاستمداران خلفه پست و رشد یافت. این جریان که بطور عمده از درون بورژوازی لیبرال سر بر آورده بود، این نهادها را متهم میکرد که «دولتی در داخل دولتانه»، که تجسم «هرج و مرج» و برضی‌مانند، که تجاوز به حقوق مردمند. ضدانقلاب و سارا که نیز در پشت همین نقاب خود را پنهان کرده، هم تشدید شروع به زرف‌نگری علیه نهادهای انقلابی نمود. هم کوشید تا عوامل خود را بدرون این سازمانها بفرستد، تا از اعتبار آنها بکاهد و آنها را از درون بیوساند.

اکنون که ضدانقلاب فعالیت خود را تشدید کرده، حمله به نهادهای انقلاب نیز شدت گرفته است. در کار جهاد سازندگی، که خدمات آن غیرقابل انکار است، باشکال گوناگون اختلال میشود. سیاستمداران را تصفیه میکنند، کشته‌ها را زائد میدانند و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را عمل «تیرگی» مناسبات ما با امپریالیسم متجاوز آمریکا می‌شمارند. قیبه در صفحه ۷

خبرگزاری آسوشیئد پرس پاکستان (خبرگزاری رسمی رژیم دست‌نشانده پاکستان) در گزارش مفصلي درباره مسائل ایران و گزارش‌های رسانه‌های گروهی ایران درباره پاکستان، بی‌شمارانه تلاش کرده است که اسلام آمریکائی ضیاءالحق را با اسلام انقلابی امام خمینی در یک ردیف قرار دهد.

خبرگزاری پاکستانی از جمله در گزارش مشروح خود می‌نویسد: عوامل چپ افراطی، از جمله حزب کمونیست توده، تلاش دارند بیوندهای حکومت‌های اسلامی ایران و پاکستان را برهم بزنند.

خبرگزاری پاکستانی مدعی میشود که تمام راديو در دست کمونیست هاست (۱). بدین ترتیب رژیم ضیاءالحق نیز مانند دشمن سابق و سادات و خائنین دیگر تلاش دارد که با زدن برجسبه کمونیست بر هر مبارز ضد امپریالیستی، خوش‌خدمتی به اربابان آمریکائی را فراموش نکند.

بالاخره رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق نتوانست آرام بگیرد و از زبان خبرگزاری رسمی خود «حزب کمونیست توده» را متهم کرده است که سعی دارد در روابط ایران و پاکستان اختلال کند!

خبرگزاری آسوشیئد پرس پاکستان (خبرگزاری رسمی رژیم دست‌نشانده پاکستان) در گزارش مفصلي درباره مسائل ایران و گزارش‌های رسانه‌های گروهی ایران درباره پاکستان، بی‌شمارانه تلاش کرده است که اسلام آمریکائی ضیاءالحق را با اسلام انقلابی امام خمینی در یک ردیف قرار دهد.

خبرگزاری آسوشیئد پرس پاکستان (خبرگزاری رسمی رژیم دست‌نشانده پاکستان) در گزارش مفصلي درباره مسائل ایران و گزارش‌های رسانه‌های گروهی ایران درباره پاکستان، بی‌شمارانه تلاش کرده است که اسلام آمریکائی ضیاءالحق را با اسلام انقلابی امام خمینی در یک ردیف قرار دهد.

بازار طاغوتی مانده...

پایه از صفحه ۱

بازار ایران بدست گرفتند و از آنها بنام «بازارگانان کبیرادور» نام برده می‌شود. از جانب دیگر، باعث شد که اینان در نقش متفاوت در جریان انقلاب در کشور ما ایفا کنند. در حالیکه اقتدار اولی همیشه در کنار مردم بوده و با آنان در مبارزات ضدامپریالیستی موضع و سرنوشته مشترک داشته‌اند، قشر دوم، همیشه در کنار مرتجعین داخلی و نیروهای امپریالیستی قرار گرفته و از اردوی ضدانقلاب سر درآورده است. این قاعده کلی در تمام جریان انقلاب و مبارزات مردمی و ضد امپریالیستی، از انقلاب مشروطه گرفته تا لحظه کنونی انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی مردم ایران، موضوع تمام مسحت خود را نشان داده و می‌دهد.

در جریان انقلاب مشروطه، در حالیکه بازارگانان متوسط، اصناف و پیشه‌وران زحمتکش در صف انقلاب جای داشتند، بازارگانان عمدی که نقش دلالی کالا و سرمایه خارجی را بهمه گرفته بودند و از مبر حکماری با امپریالیسم و هموار ساختن نفوذ آن بدرون اقتصاد ملی کسب درآمد می‌کردند، ابتدا در پوشش «ملک» التجاره‌ها سعی در انحراف انقلاب کردند و سپس به حمایت علنی از ضدانقلاب، محمدمصلی‌تاهی برخاستند. در دوران ملی شدن صنایع نفت، همین روش به شکل تازمهای تکرار شد. در حالیکه بازاریان متوسط - الحال، اصناف و پیشه‌وران خواستار تشدید مبارزات ضدامپریالیستی و مبارزه قاطعانه علیه فئودالیسم و رژیم دست‌نشانده سلطنتی بودند، قشر سرمایه‌داران عمده در بازار، بوسائل گوناگون، که استفاده از خربه احتکار و گرانی و کمیابی را دربر می‌گرفت و به اختلال علنی در امر بازرگانی خارجی و داخلی منتهی می‌گردید، موجبات رکود اقتصادی و عدم رضایت از دولت دکتر مصدق را فراهم آوردند و بالاخره هم آشکارا در صف تدارک‌کنندگان کودتای خائنه ۲۸ مرداد جای گرفتند.

یکی از عوامل عمده شکست جنبش ملی شدن نفت، اختلال بازارگانان عمده وابسته به سرمایه‌های امپریالیستی بود، که ابتدا توانست خود را در پوشش جانبداری از جنبش پنهان کند و بدینوسیله خود را از زیر ضربه خارج سازد، و بعد موفق شد که با استفاده از مواضع اقتصادی و قدرت مالی خویش، به جنبش ملی شدن نفت ضربه وارد آورد.

در جریان تدارک و تکوین و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران تا مرحله کنونی نیز بازار همان نقش دوگانه سنتی خود را حفظ کرده است، با این تفاوت که به قدرت اقتصادی و مالی بازارگانان عمدی که نقش دلالی کالا و سرمایه خارجی را در اقتصاد ایران بهمه دارند، برآب افزوده شده است.

پیروزی انقلاب و وابسته در ایران، که بویژه دوران ربع قرن اخیر پس از کودتای ۲۸ مرداد را دربر می‌گیرد، بموازات و حتی پیش از اقتدار دیگر سرمایه‌داران طاغوتی از نظر قدرت اقتصادی و مالی قریه شدند. دلیل آن نیز واضح است:

سیاست رژیم خائن وابسته به امپریالیسم، ایجاد جامعه مصرفی وابسته به سرمایه‌داری جهانی در ایران بود، تا درآمد نفت بسببولت بیشتری غارت شود. این نیز سرازیری سیل بنیان‌کنی از واردات کالاهای خارجی را به بازار ایران ایجاد می‌کرد، که عاملین آن همان بازارگانان عمده بودند، که قدرت اقتصادی و مالی آنان با کبیرادورهای زمان انقلاب مشروطه و یا دوره ملی شدن نفت، از زمین تا آسمان تفاوت پیدا کرده بود. تنها میان یک رقم درمورد حجم واردات کالا به کشور، بیانگر آنست که این تفاوت به‌جه میزان عظیمی

ببود سرمایه‌های بزرگ تجاری تغییر یافته است. میزان واردات کالا در دوره انقلاب مشروطه به پنجمیلیون دلار در سال بالغ می‌شد. در دوران جنبش ملی‌شدن نفت، حجم واردات کالا از خارج بزحمت به رقم دویست تا سیصد میلیون دلار می‌رسید. در سالهای آخر عمر رژیم شاه سابق، حجم واردات کشور به‌رقم نجومی ۱۶ تا ۱۸ میلیارد دلار بالغ گردید.

چنانکه می‌بینیم، تفاوت قدرت اقتصادی و مالی بازارگانان عمده در مقایسه با ادوار گذشته تفاوتی فاحشی در جهت تقویت بیش از پیش مواضع اینان در اقتصاد کشور بوده است.

در دوران انقلاب مشروطه، بازارگانان عمده، واردات چند فلم کالا، نظیر پارچه و قند و چای را به دست داشتند، و معذک در دعوی مردم و ضدانقلاب، جانب ضدانقلاب را گرفتند. اکنون واردات دهها هزار کالاهای متنوع، از پارچه و چای گرفته تا بیخچال و تلویزیون و اتومبیل، از سوزن‌خیالی گرفته تا تراکتور و ماشینهای بزرگ چاده صاف کن، از اجناس لوکس، که در کسرت کشوری خریدار دارد، تا متنوع‌ترین کالا-های موجود در بازار جهانی سرمایه‌داری، در دست بازارگانان عمده متمرکز است.

اینچاد دیگر ما فقط با قشر سرمایه‌داران وابسته‌ای که خود را زیر پوشش بازار و بازاری به معنی عام کلمه جا می‌زنند، بلکه با قشر عظیمی که دیگر هیچ ارتباطی با مبادله در داخل کشور ندارد و فقط با تشکیل مراکز تجاری عمده و بورس کالا و سرمایه، میلیارد میلیارد منفعت به جیب می‌زنند، سروکار داریم.

آنچه به آن بازار طاغوتی گفته می‌شود، و اشاره مستقیم امام خمینی نیز متوجه با کسب و کار و طاغوت‌زدانی در آنست، همین به اصطلاح بازار اخیر، مرکب از عمد-ترین سرمایه‌داران وابسته است، که نام «بازارگان» به خود گذاشته و مهمترین اهم اقتصادی کشور، بازارگانی خارجی و توزیع عمده فروشی کالا را در دست خود متمرکز ساخته‌اند. امروز تنها بخش کوچکی از اینان را می‌توان در داخل بازار، به معنی قدیمی آن، دید. بخش عمده‌تر اینان، در شرکتهای بزرگ بازرگانی، با صدها و هزارها نام گوناگون در مهمترین و عالیترین عمارات تهران جا گرفته‌اند. در دشت داشتن سرمایه‌های میلیاردی، مدرترین ابزار بازرگانی، شبکه ارتباطی داخلی و خارجی، سیستم توزیع عمده، مرکب از انبار-های بازرگانی در سراسر کشو و بورس کالا و سرمایه ابزار کار اینان است، که می‌توان گفت حساس‌ترین رگ اقتصاد ملی، بازرگانی خارجی و داخلی را زیر شمشیر تمایلات آرزمنده کسب سودهای گزاف به سود خود و ارتباطات خود با بازار و سرمایه‌های امپریالیستی باقی نگاه داشته‌اند. قشری از دلالان و کار-گزاران خارجی و داخلی، محترکان و سودجویان دست دوم نیز ابزار کار اجتماعی این قشر را تشکیل می‌دهند.

وقتی صحبت از بازار طاغوتی به میان می‌آید، منظور چنین بازاری است، که همانطور که امام خمینی گفته‌اند، تا بحال توانسته خود را از تصفیه مصون بدارد و همچنان طاغوتی باقی بماند.

اشاره‌ای که به مواضع بازارگانان عمده یا پیروزی کبیرادور در اقتصاد کنونی کردیم، بوضوح نشان می‌دهد که، این قشر به اصطلاح طاغوتی بازار، از چه نیروی تخریبی عظیم برخوردار است و چگونه قادر است با اختلال در امور بازرگانی، ضربه‌مهلک به مواضع انقلاب وارد آورد.

خطری که از جانب پیروزی کبیرادور و یا بازارگانان دلال کالا و سرمایه خارجی در اقتصاد ایران متوجه انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی است، خطری است به معنی واقعی کلمه مهلک و جدی. اگر امام خمینی در مورد این خطر هشدار می‌دهند، باید گفت که

این هشدار زاینده عمق خطر و زرف‌نگری نسبت به مسائل حیاتی انقلاب و درک ضرورت تأخیرناپذیری است که، مبارزه قاطع علیه یکی از پایگاههای عمده امپریالیسم، ارتجاع و ضدانقلاب را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. تذکر امام خمینی درباره لزوم تصفیه بازار و طاغوت‌زدانی در آن، دلائل اساسی و معتبر دارد. واقعیت اینست که بازارگانان عمده وابسته به سرمایه‌های امپریالیستی، که در جریان تدارک و تکوین و سپس پیروزی انقلاب خود را زیر پوشش بازار طرفدار انقلاب، یعنی پیشتر بازارگانان متوسط الحال، اصناف و پیشه‌وران مومن به مبارزه ضدامپریالیستی، استقلال‌طلبانه و خلقی جا زده بودند، و حداقل با ماسک لیبرالیستی، خود را یار انقلاب معرفی می‌کردند، در مدتی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، نه فقط از نظر اقتصادی، بلکه حتی از نظر سیاسی به مخالفت با انقلاب برخاسته‌اند. اینان رفته رفته آشکارتر در کنار ضدانقلاب عرض‌اندام می‌کنند. به‌حقایق مربوط به این وضع توجه کنیم:

یلافاصله پس از انقلاب، و بخصوص پس از کنار گذاشتن دولت کلام یکام، موازی با آغاز محاسره اقتصادی و قطع رابطه بازرگانی از جانب آمریکا و دیگر دول امپریالیستی، بازارگانان عمده دلال خارجی حربه‌های احتکار، گرانی، کمبود کالا و ایجاد اختلال در توزیع را آشکارا بکار گرفتند. جامعه انقلابی ایران هم اکنون با نتایج فوق‌العاده زیان‌بار اقدامات اقتصادی بازارگانان عمده علیه انقلاب مواجه است، که آثار آن بصورت رفته رفته در کار موسسات تولیدی، بملت نبودن مواد خام و وسائل یدکی، وعدم رضایت‌شدید مصرف‌کننده از گرانی و نایابی کالاهای مورد مصرف عموم در برابر چشم همگان قرار دارد.

کسبوری که تا وقوع انقلاب دهها میلیارد دلار کالا ذخیره داشت و بنادر و انبارها و راه‌های آن‌طراقت حمل آنهم واردات را نداشت، در نتیجه کارشکنی بازارگانان عمده و وابسته به امپریالیسم، به یکباره در مدت کوتاهی پس از انقلاب، یا کمبود کالا، آنهم در همه زمینه‌ها مواجه شده است. آیا واقعا کالاهای رسیده همه مصرف شده است، که چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. یا ذخیره کالائی که کشور از آن اشباع شده بود، و این خود یکی از علل عمده نابسامانی اقتصادی قبل از وقوع انقلاب بشمار می‌رفت، اقتصاد کشور ما می‌توانست، ولو واردات کالا یکلی قطع میشد، مدتها به حیات طبیعی خود ادامه دهد. گرانی و کمیابی کالا، اگر خرابکاری در برین نبود، کاملا مهارشدنی بود و بیکاری می‌توانست مقیاس به مراتب محدودتری داشته باشد و سریعتر مرتفع گردد.

یکی از عوامل اساسی ایجاد گرانی سرسام‌آور، کمیابی مصنوعی کالا و بیکاری را در دوران پس از پیروزی انقلاب باید حمله اقتصادی پیروزی کبیرادور - بازارگانان عمده به مواضع انقلاب دانست.

احتکار کالا در انبارها، خودداری از فروش کالاهای رسیده، نقل و انتقالات خرابکارانه عمدی در امر توزیع مواد مصرفی و ابزار تولید، اقدامات آشکارا خرابکارانه‌ای هستند که بدست سرمایه‌داران عمده صورت گرفته و می‌گیرند. بازارگانان عمده همچنین از عوامل عمده در لغو سفارشات داده شده بخارج خودداری از وارد کردن کالاهای خریداری شده از خارج بداخل کشور و جلوگیری مبالغه‌عظیم ارز از داخل بخارج بوده‌اند. بازارگانان عمده، از صدها طرق مرمی و نامرئی، برای حمله به مواضع اقتصاد ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب استفاده کرده و میکنند.

متأسفانه دولت انقلاب تاکنون نتوانسته است اصل ملی کردن بازرگانی خارجی را به اجرا بگذارد. مانع عمده در اینکار، قشر ذینفوذ بازارگانان وابسته است، که نه فقط مواضع اقتصادی و مالی خود را در بازرگانی خارجی و تجارت عمده در داخل کشور حفظ کرده، بلکه

در سازمانهای اجرایی انقلاب در زمینه تصمیمات مالی، بازرگانی، بانکی و نظیر آن نیز اعمال نفوذ میکند. لیکن کار بازارگانان عمده وابسته به امپریالیسم و مرتبط با عمده‌ترین اقتدار سرمایه‌داری و زمینداری بزرگ، تنها به اختلال و خرابکاری اقتصادی علیه انقلاب ایران خاتمه نمی‌یابد. مسحت برسر اینست که پیروزی انقلاب کشور را در ایران از مدتی به اینطرف آشکارا به مسحت سیاسی علیه انقلاب ایران پرداخته و بریدانه در صف ضدانقلاب قرار گرفته است.

در مورد اخیر لازم نیست، به‌شتر کشتلی بازارگانان عمده در ازبایجان، در حوادث خونینی که به سرحداری حزب جمهوری خلق مسلمان تدارک دیده شده اشاره کنیم. حوادث مربوط به تدارک کودتای آمریکائی ۱۸ تیرماه، تدارک زندگانی از شرکت مستقیم بازارگانان عمده، یا چنانکه امام خمینی می‌گویند، «بازارگان طاغوتی»، در توطئه علیه موجودیت جمهوری اسلامی به دست داده و می‌دهند. این مطلب بسیار چالب است که شاخصی سیاسی کودتا را «حمید شمال فرزند سید قی» که یکی از بازاریان معروف است، رهبری می‌کرده است. همینطور چگونه از روی این خبر می‌توان گفت که، هفته گذشته، شش نفر بازاری در اسفهان، یاتهام رابطه با کودتای تیرماه دستگیر شدند.

در توضیحی که به‌مختور مرفی بازارگانان اخیر داده شده، از شش بازرگانی که در اسفهان به اتهام رابطه با کودتا دستگیر شده‌اند، «دو نفرشان دست‌اندر کار ساختمان یکی از بیمارستانهای خیریه اسفهان بوده‌اند، یکی از آنها از تاجر معروف چای و دیگری تاجری بوده که قبل از تجارت قمش و اشیرا گلرشی بساز و بفروشی بوده است».

همین مرفی‌نامه گواه بر آنست که چگونه بازارگانان عمده وابسته به کالا و سرمایه خارجی، حتی در پوشش خیرخواهی، به شرکت علنی در تدارک کودتای سرگبار امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند.

نظر به ضرورت‌های تصفیه مبارزه ضدامپریالیستی و خلقی در کشور ما، صف انقلاب و ضدانقلاب رفته رفته آشکارتر در برابر قرار می‌گیرد. در حالیکه بازارگانان متوسط الحال و اصناف و پیشه‌وران زحمتکش ایران رفته رفته بصورت پایدارتری در جبهه انقلاب قرار می‌گیرند و متوجه می‌شوند که تا بین منافع آنان نیز، مانند منافع همه خلق، بسته به پیروزی کامل انقلاب، قطع و قطع تسلط امپریالیسم و ضدانقلاب و ریشه کن کردن تسلط سرمایه‌های وابسته بازرگانی و زمین‌داری بزرگ از اقتصاد ایران است، در همان حال بازارگانان عمده وابسته به امپریالیسم بیش از پیش منافع غارتگرانه خود را در خطر می‌بینند و در جبهه ضدانقلاب قرار می‌گیرند. امر اخیر تصادفی نیست. واقعیت هم همین است که در ایران مستقل و آزادی که باید ثمره انقلاب باشد، پیروزی کبیرادوری که از قبل مکیدن خون اقتصاد ملی و غارت مستمر زحمتکشان بسود خود و سرمایه‌های امپریالیستی ارتقائی می‌کنند، محلی از اعراب ندارد. این پیروزی باید جای خود را به دستکام منسجم و مجبزی بدهد که بازرگانی خارجی و توزیع عمده کالا در داخل را بسود منافع اقتصاد ملی و بهبود معیشت عمومی در دست دولت انقلاب متمرکز سازد.

بازار طاغوتی باید تصفیه شود این خطاب امام خمینی بدان معناست که تا دیر نشده و سرمایه‌داری کبیرادوری وابسته ضریات جدی‌تری به مواضع انقلاب وارد نساخته است، دولت انقلاب باید رفع خطر و سلب قدرت اقتصادی - سیاسی از بازاریان طاغوتی اقدامات عاجل و جدی بعمل آورد. بی‌تفاوت ماندن و سرمایه‌داری بازرگانی وابسته را در مواضع اقتصادی و سیاسی فعلی باقی گذاشتن، مار در آستین انقلاب پروراندن است.

هدف امپریالیسم...

پایه از صفحه ۱

باین ترتیب، امپریالیسم آمریکا با موج جدید تدارک نظامی خود علیه ایران، که برای آن صدها میلیون دلار خرج می‌کند، چند هدف اساسی را دنبال می‌کند:

- ۱- تحکیم مواضع دیپلماتیک و نظامی خود در جهان و منطقه، و مواضعی که انقلاب ایران آنرا سخت متزلزل کرده است، تساه بحران بنسب نباید و منطقه از دست نرود؛
- ۲- تقویت روحی ضدانقلاب در ایران و ایجاد فضای مساعد به «گروگانها»؛
- ۳- و در صورت داشتن شناسی برای موفقیت، توسل به اقدامات

بیاننده «دلیل» پیدا کنند که، اگر «گروگانها» را تحویل ندهیم، آمریکا چنین و چنان خواهد کرد و پشتیبان تا فرصت فوت نشده است!

امام خمینی در موقع خود پاسخ این آقایان را داده بود که «آمریکاهج غلطی نمیتواند بکند» و اخیرا دانشجویان مسلمان بیرو خط امام و مجلس شورای اسلامی نیز با یکسلسله اظهارات محکم خود به این «تاسمان خردمند» پاسخهای لازم را گفته‌اند.

نظامی محدود یا وسیع، بی‌وزنه سود سازشکاران در مسئله تحویل برای پشتیبانی از ضدانقلاب داخلی و نه دخالت مستقیم، برای بر-اندازی جمهوری اسلامی ایران وجود اتحاد شوروی در همسایگی ایران بدون شک عامل مشرعی است که امکان ماجراجویی مستقیم نظامی آمریکا را محدود می‌سازد. ولی این بدان معنی نیست که کاتع سفید و پتاکون و سیا ممکن نیست به چنین ماجراجویی چون آمیزی دست زنند، مگر در عملیات «نور آبی» در طیس، بدان دست زده‌اند؛ از امپریالیسم آمریکا توقع رفتار خردمندانه

داشتن خطاست. لذا آژیر، هشدارو آماده‌باش در این زمینه مانند آب و هوا لازم است و در واقع باید سرمایه‌ای خلق را در حال گوش‌بزنگی و آمادگی روحی قداکاری نگام داشت و حتی ثانیه‌ای آرام نگرفت.

در عین حال انجذاب به خطر نظامی ما را ابتدا نباید از خطرات سیاسی منصرف و منحرف کند. وقتی از جانب عناصر و گروههای معینی تلاش همه‌جانبه‌ای برای به اصطلاح حل مسئله گروگانها بعمل می‌آید، این مسئله ابتدا

تصادفی نیست. از بدبختی، این آقایان با رهبر قاطع و آشتی-ناپذیری مانند امام خمینی روبرو هستند که اشکهای تمساح، تهدید و تحییب در وجودش موثر نیست. لذا در قبال دور جدید توطئه امپریالیستی، شمار خلقی فله سازش، تسلیم، نیردبا آمریکاه، کماکان شماری است بسیار با محتوی.

- انقلاب را باید از انحراف و بلاحتقاری شدن نجات داد!
- دریک مورد باید قهرمان جسور بود و در مورد دیگر سیاستمدار

حجت الاسلام خاانه‌ای:

پایه از صفحه ۱

رادیوهای بیگانه، این روزنامه‌ها و مجلاتی که در خارج از این کشور منتشر میشود، نسبت به اوضاع و احوال ایران آنچنان نقش مودیانهای را تقیبه می‌کنند که انسان

شکفتزده میشود. اما من می-خواهم خواهش کنم از روزنامه‌های خودمان، از پیشی از روزنامه‌های خودمان، از بعضی از دست‌اندر-کاران خودمان، از بعضی از مسئولین مردم معمولی که آنها دیگر اسیر تبلیغات روزنامه‌های خارجی نباشند آنها دیگر این حرفها را تکرار نکنند.

امام جمعه تهران، در قسمتی دیگر از خطبه نماز جمعه خود ضمن اشاره به تبلیغات امپریالیستی علیه کابینه جدید ایران گفت:

«انگلستان و روزنامه‌هایش، دولت فرانسه مستکبر و مطبوعات و غیر گزاردیهاش، آمریکا و اسرائیل و ایادی و عمالشان اگر نسبت به این کابینه اظهار تردید میکنند، دلشان بحال ما و ایران و این کابینه قاطعا نسوخته. اینها میخواهند بلکه کاری کنند اکتاز

توجه!

مقالات زیر، که در هفته پیش در نامه «مردم» چاپ رسیده است، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

- به مسئولان وزارت آموزش و پرورش هشدار میدهم (شماره ۳۲۴)
- رفیق کبانوری: پیشنهاد میشود یک کتکگر ظاهر ملی از همه تیر-جایی، که آماده‌اند از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند، تشکیل گردد (شماره ۳۲۵)

نقاط مرزی کشور، گفت:

برادران پاسدار البته گلایه-هایی دارند: منتقدند که آنها پشتیبانی لازم نمیشوند. اگر چنین است، واقعا از لحاظ تجهیزات و سلاح و مهمات بیه‌بهای ما، این پاسداران جان بس کف اگسر پشتیبانی نمیشوند، مسئولین باید بدانند که امام و امت مایلند که سپاه پاسداران، به بهترین نحو تجهیز و پشتیبانی شوند.

ساواکی‌ها

در دوران پیرایه انقلاب شاید هیچ کلمه‌ای باندازه کلمه ساواکی در رسانه‌های گروهی و مطبوعات ما بکار نرفته است. خاطره تلخی که ساواک و ساواکی در ذهن مردم ما برمی‌انگیزد، از خاطره مرگ فرزند در دل مادر تلختر و سنگینتر است. بیست و چند سال این سازمان جنینی بهترین فرزندان این آب و خاک را به کشتارگاه فرستاد.

ساواک پیش از آنکه سازمان حافظ تاج و تخت شاه خان باشد، پلیس سیاسی امپریالیسم در خاک مین ما بود.

ساواکی‌ها در آمریکا تربیت می‌شدند، در انگلستان طرز شکنجه را می‌آموختند در اسرائیل شیوه مبارزه با گروههای مسلح سیاسی را یاد می‌گرفتند، و آتوت آتیج را آموخته بودند، بیعت امپریالیسم در ایران بکار می‌بستند. ساواکی‌ها در برابر این «خدماتشان» حقوق و مزایای زیادی داشتند که با هیجانات موسسات دیگر، حتی ارتش مزدور شاهنشاهی قابل قیاس نبود. پول در دست ساواکی‌ها واقعا علف خرس بود، چه پولی که برای خوشان خرج می‌کردند و چه برای «کار» بود اربابانشان.

مقصود از ساواکی تنها کارمند رسمی سازمان اطلاعات و امنیت کشور نیست. مقصود، همچنین کسانی هستند که از طریق همکاری با ساواک ثروت فراوان اندوخته‌اند و اکنون در فلان شرکت خصوصی یا در بازار به شغل «آبرومندی» مشغولند. ساواک طی مدت بیست و چند سال که وجود داشت، هزاران سرمایه‌دار و ملاک و غیره آفرید. نه تنها در سیاست، بلکه همچنین در اقتصاد کشور نیز هیچکس نمی‌توانست جز با همکاری ساواک یا از راه مرحله معینی فراتر نهد. تصدی مقامات اداری، از روسای شعبه گرفته تا نخست‌وزیر، جز با تصویب ساواک ممکن نبود.

تخصیص ساواکی‌ها در ادارات دولتی آسانتر بود، اما در بین سایر اقشار، بخصوص سرمایه‌داران، ملاکان و روحانی‌نمایان و روشنفکر نمایان، شناسایی ساواکی‌ها کاری دشوار و گاه حتی غیرممکن بود، زیرا ارتباط با اغلب آنان از طریق شخص ثالث صورت می‌گرفت و در لیست اسامی ساواکی‌ها، تنها از این شخص ثالث نام برده می‌شود. بدینسان باید دانست که ساواکی‌ها تنها کارمندان رسمی و منابع خبری و سخن‌چینان و سایر اقربا نیستند که با ساواک مستقیما همکاری می‌کردند. اینها مجموعه شبکه داخلی ساواک را تشکیل می‌دادند. شبکه خارجی ساواک که اعضای شبکه داخلی زیر پوشش و به کمک آن فعالیت می‌کردند، یراتب وسیعتر بود. در هر توطئه بزرگی که پیرایه انقلاب کشف شده است (توطئه حزب جمهوری خلق مسلمان در تبریز، توطئه فدائیان اب در اصفهان، توطئه «نوزده» و توطئه اخیر در همدان) گروهی از سرمایه‌داران و روحانی‌نمایان و روشنفکر نمایان عضو شبکه خارجی ساواک شرکت داشتند.

شبکه داخلی و خارجی ساواک اکنون مهم‌ترین پایگاه ضدانقلاب را در ایران تشکیل می‌دهد، که با انواع وسایل به پیشبرد اهداف ضدانقلاب کمک می‌کند، زیرا بازگشت آنان بوضع سابق، که می‌چاپیدند و خوش می‌گذرانند، تنها بشرط پیروزی ضدانقلاب و استقرار حکومت دست نشانده امپریالیسم میسر است. اینست که ما در هر توطئه‌ای جای پای ساواکی را می‌بینیم. آنان بدون اعتنا به خطری که گه‌گاه آنها را تهدید می‌کنند، در براندازی نظام جمهوری اسلامی میکوشند پس امیدواری به اینکه آنها از منافع خوششان و آنچه امتیاز و برتری دست بردارند و «توبه» کنند، دست مثل آنت که ما از مردم مستضعف ایران بخواهیم که از دستاوردهای انقلاب خود صرفنظر کنند، بدانگونه که مردم آماده‌اند با نثار جان خود از آزادی و استقلال کشورشان و حکومت مردمی خوششان در برابر خطر عظیمی چون مداخله نظامی آمریکا دفاع کنند، ساواکی‌ها نیز آماده‌اند برای ایجاد حکومتی که مزایا و برتریهای سابق را به آنها بزرگ‌دانه دست به هر جانی بزنند.

چیزی که ساواکی‌ها را، که بهرحال در شناخت منافع خود آدم خامی نیست، به ادامه مبارزه در راه بازگشت وضع سابق امیدوار می‌سازد؟ نخست کمک عظیمی که امپریالیستها بشبکه ضد انقلاب می‌کنند و ۵۰۰ میلیون دلاری که به شبکه طلسمی اعظمی اصفهان داده شده بود، یک قلم کوچک آنت. سپس باید از امکانات عظیم مادی ضدانقلاب در داخل و خارج کشور نام برد. ضدانقلاب فراری میلیاردها دلار یخچار منتقل کرده است و شبکه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ وابسته به ساواک، که در داخل کشور به فعالیت مشغولست، هنوز میلیاردها تومان در اختیار دارد. ساواکی‌ها اکنون به کمک همین شبکه، زیر ناصیای مختلفه صدها موسسه «تمام‌المنه» باز کرده‌اند و از

اداره بهترین اطلاعات را در دسترس عمال امپریالیسم، که در سفارتخانه‌های غربی بعنوان دیپلمات و وابسته و غیره نشسته‌اند قرار میدهند و با مراکز ضدانقلاب در خارج تماس می‌گیرند.

عامل دیگری که ساواکی‌ها را به ادامه فعالیت تخریبی خود امیدوار میکند، اهمال و غفلت مقامات دولتی در مبارزه موثر با ساواکی‌ها (بیمان معنا که در بالا نوشتیم) است. ما با مغرضان و خرابکارانی که بسود دشمن عمل میکنند و بپوشش می‌خواهند ساواکی‌ها را زیر بال خود پناه دهند، کاری نداریم - ولی برخی از کسانی هم که نمیتوان در صداقت آنها تردید کرد، گمان میکنند که ساواکی‌ها هم یک انسان معمولی است که از طریق وعظ و تبلیغ میتوان او را به راه راست هدایت کرد. این خوشامواری تاکنون ضربات دردناکی بر انقلاب ما زده است. شما تنها به این نکته توجه کنید که ساواکی‌ها، بخصوص اعضای شبکه خارجی آنها، چگونه توانسته‌اند جو اتحادی را که در اوایل انقلاب بین تمام گروههای مردم وجود داشت، به جو کتونی، که موجب تگرانی برای تمام افراد صادق به انقلاب است، تبدیل کنند. ما دهها بار در همین روزنامه خودمان نوشتیم که در هر اختلاف و خصامی که بین نیروهای مردمی روی داده و می‌دهد، ساواکی‌ها نقش موثر داشته‌اند. هم اکنون نیز ما میتوانیم بجزایرت بگوئیم که هر جا کوچکترین اختلاف در جبهه خلق بوجود می‌آید، ساواکی‌ها میکوشند این اختلاف را عمیق‌تر سازند و به تصادی آتش‌نابذیر تبدیل کنند. بعضی از این اختلافات را خود ساواکی‌ها می‌آفرینند و بعضی دیگر را که وجود دارد، ولی می‌توان با مذاکره و میاجته حل کرد، به اختلافات حل‌نشده تبدیل می‌نمایند. امروز بخشی از ساواکی‌ها ماسک «اسلامی» به صورت زده‌اند و بخشی دیگر لقب «جیب افراطی» آنها از هر دو طرف بپناه ایجاد میکنند. البته مقصود ما این نیست که درگیریها تنها در اثر تحریرات ساواکی‌ها انجام می‌گیرد. عناصر ناآگاهی باز از هر دو طرف هستند که دست به چنین اعمال ضدانقلابی می‌زنند، که در این صورت نیز ساواکی‌ها با میل و رغبت به آنها کمک میکنند، زیرا نتیجه چنین اقداماتی بالمال بود اهداف سیاسی آنان است.

خلاصه آنکه، دست و بال ساواکی‌ها آزاد است و با انواع وسایل، از شب‌گرداری تا شایه‌پراکنی، از سبب پاشی بر ضد نیروهای انقلابی تا هجوم بر مراکز سازمانهای سیاسی، از برقراری ارتباط بین شبکه داخلی و خارجی ضدانقلاب تا شرکت در توطئه براندازی نظام جمهوری اسلامی به اربابان امپریالیستی خوششان خدمت میکنند. خشی کردن توطئه‌های ضدانقلاب جز با قطع یادی و بستگان رژیم سابق و در راس آنها ساواکی‌ها میسر نیست. ساواکی کارمند، ساواکی سرمایه‌دار، ساواکی مالک، ساواکی روحانی، ساواکی روشنفکر، ساواکی جدیدالاسلام، ساواکی «جیب» برنده‌ترین ابزار ضدانقلاب، هویشاری انقلابی بنا حکم میکند که هر اقدام و هر سخن را، از ناحیه هر کسی می‌بینیم و یا می‌شنویم، دقیقا بستم و از پشت سخنان ظاهر فریب، مضمون خطرناک آنرا کشف کنیم.

ساواکی‌ها تیغ دو دم ضدانقلابند. از یک سو به نیروهای انقلابی بنام حمایت از اسلام می‌تازند و از سوی دیگر به «آخوندها» نام حیات از ایران، و مقصود آنها از «اسلام» و «ایران» نیز روشن است. اسلامی و ایرانی که در روز شاه مدعی حمایت از آن بود و امروز اسلامش سبب ملک‌خالد و ملک‌حسین و ملک‌حسین و سادات و ضیاع خلق شده است و ایرانی سبب شاپور بختیار و اویسی و بالیزیان!

اگر انقلاب دست ساواکی‌ها را نبندد و آزادی عمل را از آنان سلب نکند، ایران با مصائب بسزگرتری، روزی خواهد شد. نباید فراموش کرد که ساواکی‌ها دست‌پروردگان «سیاه» و «موساد» هستند و اینها بخوبی توانسته‌اند نه تنها از جمله جبهه واحد خلقهای عرب را با همین تاکتیک‌های مزدورانه متلاشی کنند، بلکه در داخل هر کشور عربی نیز، که قدم برخلاف منافع آنان بر میدارند، دهها گروه خرابکار و سیاسی غیره برانند، تا مسیر سیاست آن کشور را به مجرانی مطابق با میل صیونیسیم و امپریالیسم بکنند و یا در اختلافات داخلی چنان درگیر شوند، که عملا نتواند گامی در جهت مخالفت با امپریالیسم و صیونیسیم بردارد.

خشی کردن شبکه ساواکی‌ها از طریق شناخت شیوه‌های عمل آنان و برقراری نظارت دقیق بر فعالیت آنان، بخصوص در این مرحله از انقلاب ما، که توطئه‌های امپریالیسم آمریکا بر ضد ایران پوسته شکل حادث و خشن‌تری بخود می‌گیرد، حائز اهمیت طراز اول است و مسامحه و غفلت در این امر موجب پشیمانی عظیم.

نقش رهبری مائوئیستی چین در توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

طبق اسنادی که از بایگانی لایتنر سابق دولت اسرائیل در تهران بدست آمده معلوم شد که ماموران و عمل‌سازمان امنیت چین در تمام فعالیت‌های شبکه جاسوسی «سیاه» و «موساد» (سازمان جاسوسی اسرائیل) که در ایران فعالیت داشته‌اند، شرکت داشته و با این دو سازمان جاسوسی همکاری می‌کرده‌اند.

پس از پیروزی انقلاب، سازمان‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل و چین شبکه‌های مخفی خود را تشکیل دادند و کارمندان حرفه‌ای این سازمانها مسئولیت سازماندهی، ایجاد ارتباط میان گروههای مختلف ضدانقلابی، از ساواکیان و ارتشیان فراری و دیگر عناصر ضدانقلابی در درون و خارج از کشور را بعهده گرفتند.

هفته‌نامه الکناخ العربیه، چاپ بیروت، درباره همکاریهای ماموران سازمان جاسوسی چین، «سیاه» و «موساد» نوشت که:

«این سازمانهای جاسوسی سعی دارند در میان صفوف هواداران آیت‌الله خمینی تفرقه و نفاق ایجاد کنند و زمینه عملیات مایه‌اجوابانه و تحریک آمیز را فراهم سازند.»

چندی پیش، در ارتباط با منع فعالیت و انحلال «جمعیت اسلامی» گروههای افغانی در مشهد، که علت آن شرکت این جمعیت و افراد وابسته به آن در خرید و فروش اسلحه و مواد مخدر و سرقت‌های مسلح بود، معلوم گردید که سران این «جمعیت اسلامی» با عوامل و مراکز آمریکائی نیز ارتباط دارند.

علاوه بر این معلوم شد که، اردوگاه فراریان افغانی در خراسان با اردوگاه افغانی در ایالت یشاور پاکستان ارتباط دارند و سران و مسئولان اردوگاه افغانی در خراسان، دستورات و رهنمودهایی را که از اردوگاه یشاور به آنها داده می‌شود، اجرا میکنند. اردوگاه افغانی فراری در یشاور و دیگر این گونه اردوگاهها در خاک پاکستان، بوسیله ماموران عالی‌رتبه «سیاه» و سازمان امنیت چین و مستشاران نظامی آمریکا و چین و پاکستان اداره می‌شوند. پس ارتباط اردوگاه فراریان افغانی در خراسان با اردوگاه یشاور در پاکستان وسیله دیگری برای همکاری ماموران سیا و سازمان امنیت چین در ایران و ارتباط آنها با عناصر و گروههای ضدانقلابی در داخل ایران است.

جنبه دیگر فعالیت‌های چین علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در زمینه همکاریهای نظامی آن با امپریالیسم آمریکا و همکاریهای نظامی چین با کشورهای «سیاه» و رژیم‌های دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا در منطقه است، که مستقما در توطئه‌ها و طرحهای مداخله نظامی آمریکا علیه ایران بمنظور براندازی نظام جمهوری اسلامی شرکت دارند. اسرائیل، مصر، عربستان سعودی و پاکستان کشورهای هستند که به سر بل تجاوز علیه کشورهای مستقل ملی در منطقه و کانون توطئه و تمرکز نیروهای ضدانقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل شده‌اند.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، سیل تسلیحات آمریکائی به این کشورها سرارز شده و کمکهای نظامی آمریکا به آنها افزایش یافته‌است. چین نیز همکاریهای نظامی و کمکهای تسلیحاتی خود را به این کشورها گسترش داده و از این راه در قمارکات جنگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی این منطقه شرکت می‌کند.

چندی پیش، دولت چین قراردادی برای خرید

توپخانه و تانک‌های جنگی امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های دست‌نشانده و وابسته به آن علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه و از جمله انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت دارد و با آنها در همه زمینه‌های سیاسی و نظامی همکاری می‌کند.

روزنامه «جمهوری اسلامی» در سرمقاله خود (۲۶ مرداد ۵۹) نوشت:

«چین دیگر امروز خود را به شکل سرپلی برای نفوذ امپریالیسم در منطقه درآورده است و از دیرباز با نگاه طمعه‌جویانه‌ای به هندوستان می‌نگرد. چین امروز میخواهد ارتش خود را به سلاحهای امپریالیستی مجهز کند.

برغم این واقعیات، صادق قطب‌زاده بر این عقیده است، که:

«ما باید روابط خود را با چین وسیعتر و بهتر کنیم، زیرا در خیلی از جهات ما با چین در رابطه هستیم و چیزهای زیادی را میتوانم از آنها یاد بگیریم!» (اطلاعات، ۹ تیر ۵۹)

مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران می‌باید براساسی خصومت چین با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و شرکت چین در توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مناسبات جمهوری اسلامی ایران را با این کشور تنظیم کنند.

چندین روز پیش در تهران پست آمده معلوم شد که ماموران و عمل‌سازمان امنیت چین در تمام فعالیت‌های شبکه جاسوسی «سیاه» و «موساد» (سازمان جاسوسی اسرائیل) که در ایران فعالیت داشته‌اند، شرکت داشته و با این دو سازمان جاسوسی همکاری می‌کرده‌اند.

پس از پیروزی انقلاب، سازمان‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل و چین شبکه‌های مخفی خود را تشکیل دادند و کارمندان حرفه‌ای این سازمانها مسئولیت سازماندهی، ایجاد ارتباط میان گروههای مختلف ضدانقلابی، از ساواکیان و ارتشیان فراری و دیگر عناصر ضدانقلابی در درون و خارج از کشور را بعهده گرفتند.

هفته‌نامه الکناخ العربیه، چاپ بیروت، درباره همکاریهای ماموران سازمان جاسوسی چین، «سیاه» و «موساد» نوشت که:

«این سازمانهای جاسوسی سعی دارند در میان صفوف هواداران آیت‌الله خمینی تفرقه و نفاق ایجاد کنند و زمینه عملیات مایه‌اجوابانه و تحریک آمیز را فراهم سازند.»

چندی پیش، در ارتباط با منع فعالیت و انحلال «جمعیت اسلامی» گروههای افغانی در مشهد، که علت آن شرکت این جمعیت و افراد وابسته به آن در خرید و فروش اسلحه و مواد مخدر و سرقت‌های مسلح بود، معلوم گردید که سران این «جمعیت اسلامی» با عوامل و مراکز آمریکائی نیز ارتباط دارند.

علاوه بر این معلوم شد که، اردوگاه فراریان افغانی در خراسان با اردوگاه افغانی در ایالت یشاور پاکستان ارتباط دارند و سران و مسئولان اردوگاه افغانی در خراسان، دستورات و رهنمودهایی را که از اردوگاه یشاور به آنها داده می‌شود، اجرا میکنند.

اردوگاه افغانی فراری در یشاور و دیگر این گونه اردوگاهها در خاک پاکستان، بوسیله ماموران عالی‌رتبه «سیاه» و سازمان امنیت چین و مستشاران نظامی آمریکا و چین و پاکستان اداره می‌شوند. پس ارتباط اردوگاه فراریان افغانی در خراسان با اردوگاه یشاور در پاکستان وسیله دیگری برای همکاری ماموران سیا و سازمان امنیت چین در ایران و ارتباط آنها با عناصر و گروههای ضدانقلابی در داخل ایران است.

جنبه دیگر فعالیت‌های چین علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در زمینه همکاریهای نظامی آن با امپریالیسم آمریکا و همکاریهای نظامی چین با کشورهای «سیاه» و رژیم‌های دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا در منطقه است، که مستقما در توطئه‌ها و طرحهای مداخله نظامی آمریکا علیه ایران بمنظور براندازی نظام جمهوری اسلامی شرکت دارند. اسرائیل، مصر، عربستان سعودی و پاکستان کشورهای هستند که به سر بل تجاوز علیه کشورهای مستقل ملی در منطقه و کانون توطئه و تمرکز نیروهای ضدانقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل شده‌اند.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، سیل تسلیحات آمریکائی به این کشورها سرارز شده و کمکهای نظامی آمریکا به آنها افزایش یافته‌است. چین نیز همکاریهای نظامی و کمکهای تسلیحاتی خود را به این کشورها گسترش داده و از این راه در قمارکات جنگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی این منطقه شرکت می‌کند.

چندی پیش، دولت چین قراردادی برای خرید

توپخانه و تانک‌های جنگی امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های دست‌نشانده و وابسته به آن علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه و از جمله انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت دارد و با آنها در همه زمینه‌های سیاسی و نظامی همکاری می‌کند.

روزنامه «جمهوری اسلامی» در سرمقاله خود (۲۶ مرداد ۵۹) نوشت:

«چین دیگر امروز خود را به شکل سرپلی برای نفوذ امپریالیسم در منطقه درآورده است و از دیرباز با نگاه طمعه‌جویانه‌ای به هندوستان می‌نگرد. چین امروز میخواهد ارتش خود را به سلاحهای امپریالیستی مجهز کند.

برغم این واقعیات، صادق قطب‌زاده بر این عقیده است، که:

«ما باید روابط خود را با چین وسیعتر و بهتر کنیم، زیرا در خیلی از جهات ما با چین در رابطه هستیم و چیزهای زیادی را میتوانم از آنها یاد بگیریم!» (اطلاعات، ۹ تیر ۵۹)

مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران می‌باید براساسی خصومت چین با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و شرکت چین در توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مناسبات جمهوری اسلامی ایران را با این کشور تنظیم کنند.

هر کلام نسجیده میتواند مانند تیری بر قلب وحدت خلق بنشیند

فاسیال شده است. مهاجمین بعد از سوء قصد موفق به فرار می‌شوند و تا کنون شناسائی نشده‌اند. جریان این حادثه از آنجا شروع می‌شود که، آقای محلاتی، روحانی ده، بجای آنکه مصادی وحدت عمل و کلمه باشد و همه آتش‌ها و قلمها را به سوی شیطان - بزرگ آمریکا روانه کند، می‌کوشد یک جلسه مناظره در مسجد روستا برگزار کند و روستا نشینان را دعوت به شرکت در آن می‌کند. رفیق دبستانی ضیاوری و دیگر رفقا و هواداران حزب ما تشکیل چنین مناظره‌ای را به هنگامی که با بیدار برابر تهدیدهای خطرناک امپریالیسم آمریکا به حداکثر هشدار بود و متحدان توطئه‌های ضد انقلابی را عقیم گذاشت، موجبی برای ایجاد تفرقه دانستند و هالی را دعوت به اتحاد و حفظ یکپارچگی در برابر تهاجم امپریالیسم کردند. ساعاتی بعد از نیمه شب دو نفر از زعمای متحرک شده، مسلحانه به منزل این رفیق حمله بردند و ویرا بینه در صفحه ۶

در ساعت ۳ با مدا در روز ۲۳ مرداد ماه ۵۹ دو نفر از عناصر متحرک شده، مسلحانه به یکی از ساکنین روستای ضیاور، از توابع صومعه سرا، حمله ور شدند و وی را با ضرب گلوله به شدت مجروح ساختند. این حادثه به دنبال تعبیر نادرست این عناصر سخنرانی یکی از مقامات مسئول کشور که از صدای جمهوری اسلامی ایران پخش شده بود، و بدنبال سخنان تحریک آمیز روحانی روستای ضیاور به وقوع پیوست. مهندس سید ابوالقاسم دبستانی ضیاوری، کارمند از نشسته وزارت کشاورزی، در منزل مسکونی خود، به هنگام استراحت شبانه، در ساعت ۳ با مدا ۲۳ مرداد ماه ۵۹، مورد سوء قصد و نغز از عناصر متحرک شده قرار می‌گیرد و با ضرب گلوله از ناحیه سر شدت مجروح می‌شود. جراحات ناحیه سر، که ناشی از عبور اجزای گلوله از شقیقه راست و خروج آن از خط الراس بینی است، منجر به عفونت چشم راست و فلج عصب

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محتکرانست

کارگران اداره بندر بوشهر نیروی کار خود را چه ارزان می فروشند



*** کارگران از مزایای کارگری بی-بهره اند**
*** آخر با روزی صد تومان که نمیشود ۹ سر عائله را اداره کرد**
*** گرانی و بی پولی - مسئله حاد کارگران اداره بندر بوشهر**

غذای نیز در حال استراحتند و بر روی کبسه های برنج به خواب رفته اند. انگار نه انگار که سروصدای وجود دارد.
 علی از روستای دوسران کوهمره، از توابع کازرون، به بندر آمده است. خودش می گوید:
 "بیش از ۵ سال است که از گرسنگی و بدبختی برای کار به بوشهر آمدم. قلا زراعت می کردیم. اما عایداتی نداشتیم. مجبور شدیم وسائل خانم را بفروشم و به زن و بچهام بدهم. از قبل از عید تاکنون، دستمزد را ندادند. نفعی من، بلکه عده زیادی از کارگران هم مثل من هستند."

کارما در اینجا بصورت گروهی است، یعنی هر کارفرما کار را اجاره می کند و مقداری پول می گیرد، بعد به روستاهای اطراف می رود، یا در خود بوشهر تعدادی کارگر پیدا می کند. هر که ارزانتر حاضر شد کار کند، به کار گمارده می شود. یک گروه که کارش تمام شد، نوبت به گروه دیگر می رسد. آن گروه دوباره باید بنشینند تا نوبتش برسد.

کار مدام نمی نیست. وقتی در بندر بار تخلیه شود، کار هست. در مواقع دیگر، باید گرسنگی بکشیم.

خانه نداریم و روی همین کبسه ها زمستان و تابستان را بسر می بریم."

راجع به دستمزد عقب افتاده اش می گوید:
 "از اول سال تاکنون پولمان را ندادند. همگی جمع شدیم و به استناداری رفتیم. معاون استنادار قول داد که ۱۵ - ۱۰ روزه پولمان را بگیرد. کی به دادما می رسد؟ به ما مستضعفین کمک نمی شود."

چهارمین گندم دیم کاشته بودم در "دوسران" چیزی دستم را نگرفت. همش دنبال کار بودم. دنبال بدبختی بودم. اگر من سواد داشتم، همه این کارگرا را جمع می کردم و بدنیاال گرفتن حقوق عقب افتاده مان به همجا سر می زدم.

روزی صد تومان با هزار بدبختی دژیاری، با این گرانی، تازه این دستمزد را هم ندهند!"
 کارگر دیگری به طرف ما می آید انگار حرفی دارد. خودش را معرفی می کند:

"شعب نوروزی اهل بوشهر هستم. از وقتی که دستمزد روزانه در بندر هریال بوده است، من اینجا کار می کردم تا حالا."

موی سرش سفید شده و به پیری زودرس دچار شده است.

"سرعائله دارم."

از انقلاب صحبت می کند. کارگر با تجربه ای است:

"در زمان طاغوت، اداره کاروسلهای در دست ساواک بود، و وظیفه داشت پولداران و

بندربوشهر یکی از مهم ترین بنا در صادراتی و وارداتی ایران است. در این بندر هر روز دهها کشتی بزرگ و کوچک پهلو می گیرند، تخلیه میشوند و بار می گیرند.

مواد وارداتی از قبیل سیمان، آهن، برنج و دیگر مواد مورد نیاز کشور توسط کارگران این بندر تخلیه می شوند. این کارگران اکثر از روستاهای اطراف کازرون، برازجان و بوشهر هستند، که در پرتو سوق به "تمدن بزرگ آریامهری!" از خانه و کاشانه خود به این محل آمده اند.

ولی آنچه که آنها را وادار به آمدن به بندر کرده در واقع گرسنگی و فقر شدید ناشی از همان "تمدن بزرگ آریامهری!" بوده است.

در بندر امکانات ابتدائی زندگی مانند مسکن، بهداشت و غیره برای زحمتکشان وجود ندارد. گرمای شرعی بندر بوشهر و کار طاقت فرسای تخلیه کشتی، همراه با دیگر محدودیت های زندگی، رمقی در زحمتکشان باقی نگذاشته است. در بندر فروش نیروی کار بطور ساده انجام نمی گیرد. چرا؟ چون همیشه کشتی جهت تخلیه بار نیست و تعداد کارگران نیز زیاد است بنابراین رقابت در فروش نیروی کار، برای رفع گرسنگی و تامین زندگی بوجود می آید، که کارفرما را قادر می سازد، درازا مبلغ کمی دستمزد، کارشده ای از آنها بکشد، و حتی ماهها حقوق آنها را برداشت نکند.

زحمتکشان دائمی اداره بندر تا حدودی وضع بهتری نسبت به کارگران روزمزد دارند. هر چند که مصیبت هایشان در مجموع یکی است.

کشتی بزرگی برنج تخلیه می کند. این کشتی یونانی است و برنج درون آن از رومانی وارد شده است. در هر خن (محوطه ای از کشتی که بار در آن است) تعدادی کارگر کبسه های برنج را بوسيله طناب به جرانتال وصل می کنند. راننده جرانتال با مهارت خاصی این بسته ها را بلند می کند و بیرون از کشتی فرود می آورد.

چند کارگر نیز، کبسه ها را در کامیون می چینند. اکثر آنها لخت هستند. علتش را گرمی هوا و نداشتن بیش از یک پیراهن می گفتند.

نامدار، کارگر دیگری می گوید:

"اهل بوشهر هستم. روزی صد تومان دستمزد می گیرم، با هزار بدبختی. نه بیمه هستیم، نه وسائل کار و نه مسکن و نه حق اولاد، هیچ هیچ. اگر الان، مثلا، من بمیرم، زن و بچهام هیچی ندارند که بخورند. روز تعطیل هم حقوق نداریم!

گرانی پدرمان را در آورده است. شرمند و خجالت زده باید به خانه برگردیم. آخر با این صد تومان که نمیشودم بچه را مدرسه فرستاد و هم لباس خرید، هم خرج خانه داد. خلاصه ۹ - ۸ نفر را اداره کرد. من مادر زنم و پدر زنم را نیز باید نان بدهم. حق بیمه و مالیات از حقوق ما کسر می کنند. ولی از هیچ مزایایی بهره مند نیستیم. برای هر تن بار ۱۳ تومان پول می گیریم. حالا شما حسابش را بکنید که چقدر تن بار باید از تن کشتی به کامیون منتقل کنیم، البته با کمک جرانتال، تا ۱۰۰ تومان بشود. در بوشهر هیچ چیز گران نمی آید که آدم بتواند با این صد تومان زندگیش را بچرخاند."

کارگر دیگری، با قیافه ای رنج دیده به نزد ما می آید. می گوید:

"اداره کار بوشهر مثل سابق عمل می کند. چرا به وضع ما رسیدگی نمی شود؟ چرا حقوقمان را نمی پردازند؟ ما از کجا بیاوریم بخوریم؟"

در اثر فشار زندگی صورتش برافروخته و چروک است. شعب نوروزی می گوید:

"ما حاضریم تا پای جان با امریکاجنگیم و ایادیش را نابود سازیم. اما باید سرانجام مسئولین فکری هم به حال ما کنند."

سرما به داران وابسته را نفی و کارگران را بدبخت کند.

از طرف همین اداره کار، یک روز برای جشن فکری کنگ برای حزب رستاخیز بود همه کارگران راجع کردند و گفتند: "بیایید به تهران برویم." و شما از شا هشتاد قدر دانی کنید بعد که اوضاع را پس دیدند، آمدند همه ما را

به ساواک تحویل دادند و بگذریم. می خواهم این را بگویم که، اداره کار نباید مثل سابق حق کارگر را به کار فرما بدهد.

باید در این رژیم انقلابی - بخصوص که امام خمینی پشتیبان ما مستضعفین است - طرف کارگر را بگیرند. الان این کارگرا دستمزدشان را نگرفتند. به چه کسی باید مراجعه کنند؟

من خودم روزی صد تومان درآمد دارم. با این صد تومان، با ۹ سرعائله، نه کجایان برسانم؟ گوشت، اگر بخری، ۶۵ - ۶۰ کیلوئی ۶۵ - ۶۰ تومان، برنج ۱۲ - ۱۰ تومان، سبزی و غیره که نکو. ۵ تومان می دهی یک مشت سبزی می دهند.

ولی با همه این بدبختی ها، ما صبر می کنیم. ما می گوئیم هنوز مملکتمان در خطر است. ولی خوب امثال من که تجربه دارند، این حرف را می زنند.

آنها می که بدبختند، بیچاره اند، زن و بچشان گرسنه اند، واقعا وضعیتشان خراب است. باید به اینها رسیدگی شود. همین طبقه است که پشتیبان انقلاب است، پشتیبان امام است.

اینجا یک سندیکاست، اما سندیکای کارکنان دائم است. ما خودمان سندیکان داریم."

احیای ریخته گری پالایشگاه آبادان يك ضرورت مبرم و يك وظیفه انقلابی است

کارگری مروریته

کارگران قالب سازی پس از بحث و تبادل نظر خوشان تصمیم به ساختن این دستگاه گرفتند و در مدت دو ماه، با صرف هزینه ای پراگمتر، این دستگاه ساخته شد و مورد استفاده قرار گرفت.

همچنین در زمان نخست وزیری دکتر محمد مصدق قطعات یدکی راه آهن دولتی ایران در این شعبه تهیه و ساخته می شد ولی اکنون بچای ریخته گری یاد شده، فقط ۱۴۰ کارگر و کارمند آزمون مشغول بکارند و قسمت اعظم این شعبه عظیم، بسبب توطئه های عوامل داخلی و خارجی امریالیستها بکلی نابود شده و امروز جایش را آسفالت کرده اند.

... و چنین بود که توانست ما را از نظر تکنیکی و وسائل یدکی به امریالیسم آمریکا و همسایگان اروپایی و ژاپنی وابسته سازند. رکود این شعبه ریخته گری و عدم راه اندازی مجدد آن می تواند ما را در اسارت دردناک نیازمندی به امریالیسم آمریکا نگاه دارد.

کارگران مین دوست و فداکار پالایشگاه آبادان از مسئولین امور مصرا نه طلب می کنند که هر چه زودتر برای نجات صنایع کشور از وابستگی به امریالیسم و چپانخواران فتنی، این کارگاه سودمند و کارآ را در پالایشگاه احیاء کنند، تا نیاز صنایع نفت به تکنولوژی خارج در این زمینه قطع شود.

گرانی روز افزون هزینه زندگی پر دوش زحمتکشان سنگینی میکند
زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

توضیح

اخبارنامه ای به شماره ۱۱۸/۲۲ - ۵۹/۶/۲ از طرف اداره کل ارشاد ملی آذربایجان شرقی، تحت عنوان "ارسال پاسخ" به دفتر نامه "مردم" ارسال گردیده است.

موضوع این نامه مربوط به درج یک خبر کارگری در شماره ۲۵۸ نامه مردم، مورخ ۵۹/۳/۲۵ است، با عنوان "کارفرما در شورای کارگران شرکت سیلوی تبریز کار شکنی می کند."

مطابق قانون مطبوعات می باید فتوکپی نامه پیوست، با شماره ۵۹۸ - ۵۹/۵/۲۲، در نامه "مردم" درج گردد، که متاسفانه فتوکپی نامه مذکور به دفتر نامه "مردم" ارسال نگردیده است.

ما از مسئولین اداره کل ارشاد ملی آذربایجان شرقی درخواست می کنیم که مجددا برای درج نامه فوق در نامه "مردم" اقدام نمایند.

۳- با وزارت کار جمهوری اسلامی را حاکم بر روابط کار می شناسیم و از مسئولین این وزارت انتظار کمک و احقاق حق می کنیم و انتظار داریم حداقل بخاطر امام امت بداد خواهی ما توجه شود.

۴- در صورتیکه باید به نهاد دیگری مراجعه کنیم، حداقل ما را سنگ قلاب نکنند و کتبا این مطلب اعلام شود.

۵- ما کارگران همانطور که بارها نشان داده ایم، حاضریم سخت ترین مصائب را تحمل کنیم و همواره نیروی بیکر و حامی انقلاب باشیم. از ملاقات مسئول وزارت کار انتظار داریم هر چه زودتر کارگران اخراجی را به سرکار باز گردانند، تا به این وسیله ۶۰۰ خانواده از نگرانی خارج شوند و ضدانقلاب هم از زمینه ناراضی سوه استفاده نکند.

اخبار کارگری

کارگران اخراجی کارگاه آتیه ساز رابه سر کار بازگردانید

مدتی است که حدود ۶۰۰ تن از کارگران کارگاه آتیه ساز از کار اخراج شده اند و تلاش نمایندگان کارگران برای اشتغال دوباره آنها، تاکنون بی نتیجه مانده است.

اخیرا نامه ای از جانب نمایندگان کارگران این کارگاه به وزارت کار نوشته شده است. در این نامه از جمله آمده است که:

"ما نمایندگان کارگران کارگاه آتیه ساز... پیرو شکایات و دادرسی های فراوان... که مدارک و موارد آن عموما موجود است، مضافا پیرو آخرین صورت جلسه مشکله و مقرر در روابط عمومی وزارت کار، که طی آن شروع سریع پروژه و بکارگاردن عموم پرسنل عنوان شده است..."

متعاقب همه این تلاشها چون باز مسئولین کارگاه در ادامه رکود پروژه و ائتلاف بیت المال و تداوم بیگاری تصدی حدود ۶۰۰ کارگر، که علی الاصول نان آور حدود ۳۰۰۰ نفر هستند، با آقای وزیر کار... تماس گرفته شد."

آنگاه طبق توصیه ایشان، با رئیس بنیاد مستضعفان و رئیس پروژه ملاقاتی انجام شد، ولی از این ملاقاتها نتیجه ای غاید کارگران نشد. نمایندگان کارگران در این نامه خواسته های خود را به این شرح اعلام کرده اند:

۱- آیا تحت این شرایطی که توطئه پشت توطئه در دامن زدن به ناراضی ها و ایجاد جو آشفته می شود، اخراج بی رویه و بی دلیل ۶۰۰ کارگری بنانه درست است؟
 ۲- در چنین صورت چه کسی باید بداد ما کارگران برسد، وزارت کار یا وزارت صنایع و

ماز انقلابمان زمین، آب و دفع شر بزرگ مالک را میخواهیم

«اگر آب و زمین به اندازه کافی به ما بدهند، پدر آمریکا را درمی آوریم»
 «بعد از انقلاب، هنوز هم ما ارباب داریم»

جوانان این روستا یسواد هستند. یکی از روستاییان میگوید: سالش با هزار خواست توانستم برای روستایمان، که ۳۰ نفر مدرسه رو دارم، معلم یابوریم، ولی پس از مدتی چون مدرسه نداشتیم، معلم از روستایمان رفت و گفت هر موقع مدرسه درست کردید، برمی گردیم»
 یکی دیگر از اهالی در ارتباط با مشکلات روستایشان می گوید:

«آقا ما اصلا هیچ نداریم. نه قنات درست و حسابی داریم، نه مدرسه برای بچه هایمان داریم و نه حمام درست و حسابی داریم. از لحاظ دگر و درمان و دارو هم که وضع خراب است»

● روستای سن آباد در ۴۴ کیلومتری شمال اراک قرار دارد. در این روستا ۵۰ خانوار زندگی میکنند، که ۱۰ خانوار آنها را خوش نشینان تشکیل می دهند. محصولات عمده روستا گندم، جو و یونجه است. این روستا دارای ۴ مکنده است، ولی آب آنها کفاف اهالی را نمی کند و بهین علت زحمتکشان این روستا ناچار مقداری از اراضی قابل کشت را رها می کنند. قنات روستا چندی خشک شده است. تنها حمام خزیه ای روستا خراب شده و قابل استفاده نیست. اهالی برای حمام کردن به روستاهای اطراف میروند، که چند کیلومتر با روستای آنها فاصله دارد.

خوش نشینان روستا نیز همچون دیگر زحمتکشان بر زمین از نداشتن قطعه زمینی برای کشت در عذابند. یکی از آنها میگوید:

«ما مجبوریم روی زمین افرادی کار کنیم که فقط سالی یک بار، آنهم موقع برداشت محصول آنها را می بینیم. آنها قبلا در ده کشاورزی داشتند و همین جا زندگی میکردند و حالا در اراک و تهران بسر می برند. هر چه که بکاریم، چهار قسمت از ده قسمت را به آنها می بخشیم. یکی دیگر از مشکلات این روستا وضع جلده است، که در تمام زمستان غیر قابل استفاده شده و عبور و مرور در آن قطع میشود»

این بود مشکلات گریبانگیر دهقانان روستاهای اراک که کم و بیش شامل حال دیگر روستاییان میهنان نیز میشود. زدودن ویرانی و فقر و محرومیت از روستاهای در وهله نخست، مستلزم انهدام بزرگ مالکی است. اجرای اصلاحات ارضی مسمو به شورای انقلاب و آئین نامه اجرایی آن بود دهقانان زحمتکش، میتوانست گام بلندی در این مسیر باشند. باید به یوزبات آن برای کشاورزان وسایل و امکانات مدرن کشاورزی تهیه کرد. باید با تأمین بودجه کافی برای جهاد سازندگی و استفاده از نیروی بزرگ خود دهقانان، که در این راه با شور و شوق آماده اند، به ایجاد سیستم صحیح آبیاری، تهیه آب کافی و توزیع عادلانه آن اقدام کرد. باید برای دهقانان امکانات رفاهی را، که سالیان سال از آن محروم بوده اند، فراهم کرد.

که اصلا معلوم نیست، کجا هستند. صرفا بخاطر اینکه یگوید من مالک نیستم»

و در خانه یکی دیگر از اهالی کتاف آبان مشکلات روستایشان را چنین توضیح می دهد:

«... شما الان به هر کورنهی بروید لاقال يك حمام خزیه ای دارند. اما ما اینرا هم نداریم. يك حمام خزیه ای داشتیم که خیلی خراب و کثیف بود که آنهم الان ۶ ماه است که کار نمی کند. بوسی از اهالی در این ۶ ماه به حمام رفته اند و بعضی ها گاهی به روستاهای دیگر می روند. ما برق نداریم، مدرسه راهنمایی نداریم. بچه های ما بعد از کلاس ۵ باید به روستاهای دیگر یا اراک بروند. اگر کسی مریض بشود، به مائشین مستر می نماند. ما نان برای خوردن نداریم. هه اشقی تقصیر ارباب است. تا حالا چندبار از دست او شکایت کرده ایم، اما زاندارمیری فرمبیم جانب روستایشان را نمی گیرد. ما از دولت و به خصوص جهاد سازندگی انتظار داریم که کار ما رسیدگی کنند، به ما کمک کنند تا زمینهای روستا را از مالک بزرگ بگیریم»

● جلیل آباد یکی از روستاهای اراک است. در این روستا حدود ۵۰ خانوار ساکن هستند. مهمترین مشکل اهالی این روستا آب زرونی است، که با کمکهای موثر جهاد سازندگی در لایروبی قنات تا حدود زیادی این مشکل حل شده است. لیکن بازمه آب تمامی احتیاجات روستاییان را برآورده نمی سازد. زمینهای بایر در اطراف این روستا زیاد است، که با حل کامل مشکل آب، زحمتکشان جلیل آباد میتوانند این اراضی بایر را به یزیر کشت برند.

مشکلات دیگر روستاییان فقدان حمام بهداشتی، برق و درمانگاه است.

● روستای آشیانه سفلی در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی اراک واقع است. روستا حدود ۱۴۰ نفر (۲۲ خانوار) جمعیت دارد. مشکل بزرگ روستاییان آشیانه سفلی، خرابی قنات است، که اهالی با پیگیری خود و نماینده شان موفق به دریافت بودجه و دیگر وسایل مورد نیاز (سیمان - آهن - ماسه) از جهاد سازندگی برای لایروبی و تعمیر قنات شدند.

پس از مدتی که اهالی شروع به تعمیر و مرمت قنات کردند، بودجه تعیین شده از طرف جهاد تمام شد و هم اکنون چند هفته است که کار تعمیر قنات نیمه کاره رها شده است. نماینده روستا با وجود مراجعه مکرر به جهاد سازندگی موفق به اخذ بودجه دیگری برای اتمام کار قنات نشده است.

اهالی روستا از نهادهای انقلابی اراک، بویژه جهاد سازندگی، میخواهند که هر چه زودتر به کسری بودجه برای تعمیر قنات که مشکل بزرگی است رسیدگی کنند. ● جیحاده، روستایی دورافتاده و جدا از دیگر روستاهای در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی اراک واقع است. این روستا، که حدود ۱۲۰ نفر جمعیت دارد، از هیچگونه امکان رفاهی برخوردار نیست.

مشکل عمده این روستا کمی آب است. هه ساله رسوبات ناشی از باران و سيل، تنها قنات روستا را پر می کند و آب آن بقدری کم میشود که کفاف آشیانین را هم نمی کند.

اکثر زمینهای مزروعی روستا به علت کمی آب به صورت دیم کشت می شود. یکی دیگر از مشکلات روستاییان فقدان مدرسه است. اکثر کودکان و نوجوانان

روستاهای کشورمان را ویرانی و روستاییان زحمتکش بی زمین و کم زمین را فقر و محرومیت احاطه کرده است. این ویرانی و فقر و محرومیت حاصل و نتیجه غارتگریها و بهره کشی های بی حد و حصر رژیم سرنگون شده پهلوی و اربابان وی، یعنی آمریکا و نیز بزرگ مالکان ستمگر است. انحصار اراضی بسیار وسیع و مرغوب در دست چند بزرگ مالک، کمبود زمین و آب و فقدان سیستم صحیح آبیاری، فقدان امکانات درمانی و آموزشی از مشکلات روستاییان است. به منظور آگاهی از عمق مشکلات دهقانان ستمکش استان مرکزی، وضع روستاهای اراک را از نظر می گذرانیم:

● روستای میجان در ۴۹ کیلومتری شمال اراک واقع است. این روستا ۲۸۰ خانوار را دربر می گیرد و تعداد سکنه آن به ۱۱۰۰ نفر میرسد. ۵۰ خانوار روستای میجان خوش نشین هستند و برای گذران زندگی ناچار به اراک و تهران میروند و با کارگری معاش خود و خانواده شان را تأمین میکنند.

روستای میجان حدود ۷۷۰ هکتار زمین دیم و ۱۰۰۰ هکتار زمین آبی دارد، که به علت بی آبی، تنها بخش محدودی از این اراضی به زیر کشت میروند. برآبی یکی از مشکلات عمده این روستاست. اسماعیل آقاچانی، یکی از روستاییان، در این خصوص میگوید:

«ما با پیام امام که فرموده بود هر چه میتواند بکارید، تا بتوانیم با آمریکا مبارزه کنیم، ۱۰۰۰ خروار بذر توی زمینها ریختم، ولی چون قناتمان خشک شد و آب نبود، حالا بزور می توانیم حتی بفرمان را از زمین برداریم»
 علی قلی، یکی دیگر از زحمتکشان روستای میجان، اضافه می کند:

سبب زمین کاشتیم، آب نبود و هه خشک شد. یونجه هم همینطور. اصلا نمی دانم چگونه هزینه زندگی خانواده ام را تأمین کنم»

قنات روستا از چندی قبل خشک شده است. آژسوی جهاد سازندگی به روستا آمدند و پس از بررسی وضع قنات به روستاییان گفتند که، ۵ کیلومتر مسیر قنات خراب است و باید با ییل مکانیکی لایروبی شود و این کار حدود ۴ میلیون تومان لازم دارد. جهاد بودجه ندارد و اهالی برای مرمت قنات باید نیمی از پول را بپردازند. روستای میجان فاقد حمام بهداشتی است و تنها حمام روستا خزیه ای تقریبا غیر قابل استفاده است.

● روستای محمدی در ۱۵ کیلومتری شمال اراک واقع است. از ۱۵۰ خانوار ساکن در روستا، ۵۰ خانوار خوش نشین هستند. رضا رسولی، یکی از خوش نشینان، در مورد این سسه از زحمتکشان روستا میگوید:

«ما ۵۰ خانوار هستیم که زمین نداریم و مجبوریم روی اراضی دیگران کار کنیم. افرادی هستند که بیش از ۵۰ هکتار زمین دارند. اداره کشاورزی با وام نمی دهد. مسئولین این اداره میگویند چون شما نسق ندارید، شما وام نمی دهید»

تیمور رسولی، یکی دیگر از زحمتکشان، که پیرمرد ۸۰ ساله ای است، می افزاید:

«اگر آب و زمین به اندازه کافی ما بدهند، پدر آمریکا را درمی آوریم، کاری می کنیم که اصلا به گندم آنها احتیاجی نداشته باشیم»
 ● علی آباد یکی دیگر از روستاهای اراک است. این روستا ۳۰ خانوار را دربر می گیرد. اهالی این روستا با کمک و یاری جهاد سازندگی، به امر لایروبی قنات روستا همت گماردند، که سبب فرارسیدن ماه رمضان، کار لایروبی موفق ماند. اکنون اهالی روستا اتمام کار قنات را خواهند هتد. حمام روستای علی آباد خزیه ای



دهقانان روستای علی آباد (فسا) است

برای اسحمام خود تابستانها از آبجاء استفاده می کنند، و زمستانها به روستای رونیز میروند.
 در این روستا یک دبستان وجود دارد، که در آن تالکالی پنجم تدریس میشود. دانش آموزان برای ادامه تحصیل به روستای رونیز میروند.
 از ۸۵ خانوار ساکن این روستا نزدیک به ۵۰ خانوار خوش نشین هستند. بقیه ساکنان روستا را خرده مالکان تشکیل می دهند. شمس، مالک بزرگ این

روستای میجان در ۴۹ کیلومتری شمال اراک واقع است. این روستا ۲۸۰ خانوار را دربر می گیرد و تعداد سکنه آن به ۱۱۰۰ نفر میرسد. ۵۰ خانوار روستای میجان خوش نشین هستند و برای گذران زندگی ناچار به اراک و تهران میروند و با کارگری معاش خود و خانواده شان را تأمین میکنند.

روستای میجان حدود ۷۷۰ هکتار زمین دیم و ۱۰۰۰ هکتار زمین آبی دارد، که به علت بی آبی، تنها بخش محدودی از این اراضی به زیر کشت میروند. برآبی یکی از مشکلات عمده این روستاست. اسماعیل آقاچانی، یکی از روستاییان، در این خصوص میگوید:

«ما با پیام امام که فرموده بود هر چه میتواند بکارید، تا بتوانیم با آمریکا مبارزه کنیم، ۱۰۰۰ خروار بذر توی زمینها ریختم، ولی چون قناتمان خشک شد و آب نبود، حالا بزور می توانیم حتی بفرمان را از زمین برداریم»
 علی قلی، یکی دیگر از زحمتکشان روستای میجان، اضافه می کند:

سبب زمین کاشتیم، آب نبود و هه خشک شد. یونجه هم همینطور. اصلا نمی دانم چگونه هزینه زندگی خانواده ام را تأمین کنم»

قنات روستا از چندی قبل خشک شده است. آژسوی جهاد سازندگی به روستا آمدند و پس از بررسی وضع قنات به روستاییان گفتند که، ۵ کیلومتر مسیر قنات خراب است و باید با ییل مکانیکی لایروبی شود و این کار حدود ۴ میلیون تومان لازم دارد. جهاد بودجه ندارد و اهالی برای مرمت قنات باید نیمی از پول را بپردازند. روستای میجان فاقد حمام بهداشتی است و تنها حمام روستا خزیه ای تقریبا غیر قابل استفاده است.

● روستای محمدی در ۱۵ کیلومتری شمال اراک واقع است. از ۱۵۰ خانوار ساکن در روستا، ۵۰ خانوار خوش نشین هستند. رضا رسولی، یکی از خوش نشینان، در مورد این سسه از زحمتکشان روستا میگوید:

«ما ۵۰ خانوار هستیم که زمین نداریم و مجبوریم روی اراضی دیگران کار کنیم. افرادی هستند که بیش از ۵۰ هکتار زمین دارند. اداره کشاورزی با وام نمی دهد. مسئولین این اداره میگویند چون شما نسق ندارید، شما وام نمی دهید»

تیمور رسولی، یکی دیگر از زحمتکشان، که پیرمرد ۸۰ ساله ای است، می افزاید:

«اگر آب و زمین به اندازه کافی ما بدهند، پدر آمریکا را درمی آوریم، کاری می کنیم که اصلا به گندم آنها احتیاجی نداشته باشیم»
 ● علی آباد یکی دیگر از روستاهای اراک است. این روستا ۳۰ خانوار را دربر می گیرد. اهالی این روستا با کمک و یاری جهاد سازندگی، به امر لایروبی قنات روستا همت گماردند، که سبب فرارسیدن ماه رمضان، کار لایروبی موفق ماند. اکنون اهالی روستا اتمام کار قنات را خواهند هتد. حمام روستای علی آباد خزیه ای

گذری به روستا

روستای علی آباد (فسا)

روستای علی آباد در ۳۳ کیلومتری فسا، کنار جاده شیراز - سیریز قرار دارد. ساکنان دو قطعه حسن آباد و عباس آباد، به علت غیر قابل سکونت بودن، خانه های این دو قطعه، به این روستا کوچ کرده اند. خانه های این روستا اغلب از سنگ و چوب ساخته شده است. چندین خانه کلی نیز در روستا وجود دارد. در این روستا ۸۵ خانوار زندگی میکنند. این روستا درمانگاه ندارد. روستاییان بیمار باید به روستای رونیز بروند و از امکانات بهداشتی این روستا استفاده کنند. روستاییان در اکثر مواقع به شهرستان فسا می روند، زیرا امکانات روستای رونیز از نظر بهداشتی چندان وسیع نیست.

در این روستا آب لوله کشی وجود ندارد. آب روستا شور و غیر قابل استفاده است. روستاییان مجبورند به روستای رونیز بروند و با ماشین از آنجا آب بیاورند. قبلا آب آشامیدنی روستا از قنات تأمین میشد. این قنات در مالکیت مالک بزرگ این روستا بود. وی با بی توجهی به این قنات و عدم لایروبی آن، عملا قنات را تخریب کرد. کم کم آب قنات خشک شد. در ۲۳ کیلومتری این روستا آب شیرین وجود دارد. روستاییان از مسئولین جهاد می خواهند که آب این محل را با استفاده از لوله کشی به روستا برسانند. مسئولین جهاد قول داده اند که هر چه زودتر این کار را انجام دهند. این روستا حمام ندارد. روستاییان

قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگ مالکی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود

دهقانان کم زمین و بی زمین!
 باتشکیل کمیته های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سریعاً و سود شما اجرا شود

روستا ۴۰۰ هکتار زمین دارد. در سال ۴۱ وی مقدار کمی از زمینهایش را به دهقانان داد و قسمت اعظم زمین ها را برای خود نگه داشت. خرده مالکان این روستا اکثرا یک یا دو هکتار زمین دارند. این زمینها جوانبگوی نیازهای زندگی آنان نیست. آنها بناچار برای ادامه زندگی، بر روی زمینهای مالک بزرگ و یا در کارخانه های اطراف کار می کنند.

آنها منتظر اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند. آنها برای جلوگیری از درگیری تا به امروز از تقسیم زمینهای مالک بزرگ خودداری کرده اند.

مالک بزرگ با اقدامات خود عملا موجبات مخروبه شدن قنات را فراهم کرده و از این راه لطمه های فراوانی به کشاورزی این روستا و امکانات رفاهی زده است.

محصول عمده این روستا گندم و چغندر است. دامداری نیز در این روستا رایج است و بخشی از درآمد روستاییان از راه دامداری به دست می آید. روستاییان از کودهای حیوانی برای تقویت بهره دهی زمین استفاده میکنند. گرانی و کمبود مواد غذایی یکی از مشکلات روستاییان است. اکثر مواد غذایی در روستا کمیاب و گران است. روستاییان مجبورند به شهرستان فسا بروند و مواد غذایی خود را از این شهر تهیه کنند.

برای بهبود شرایط زندگی و تولید در این روستا، باید با واگذاری زمین به دهقانان تهی دست و تشویق آنان برای تولید تعاونی اقدام کرد. تهیه مواد غذایی نیز از مسائل اساسی این دهقانان و بسیاری از دهقانان منطقه است، که می توان با ایجاد تعاونی های مصرف این معضل را حل کرد.

لهستان آرامش خود را باز میابد

خبرگزاری تاس گزارش می دهد: در ورشو اطلاع داده شد که براساس موافقت هایی که در مورد یک عده از مسائل اجتماعی و اقتصادی حاصل شده، کار در بنگاه های سواحل گدا نمک، ششین وال بلونگ و همچنین در دیگر نواحی که در آنجا وقفه در کارها پدید آمده بود، مرتباً از سر گرفته شده است. مطبوعات لهستان خاطر نشان می کنند که در نتیجه اختلال آهنگ عادی کار، دشواریهای اقتصادی کشور ژرفتر شده و این امر در برخی نقاط موجب برهم خوردن سازمان تولید و توقف وسائل بازرگانی و کسریهای درنا مین نیا زمندیهای هالی گردیده است.

فقط در شهرشدین به تنهایی ۶۱ کشتی حامل غله و علوفه مواد خام، که بدون آنها بسیاری از بنگاهها قادر به کار نیستند، تخلیه نشده مانده اند. یکی از رهبران اداره رسمی اطلاعات لهستان، روزی ویکم اوت (۹ شهریور) در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که هنگام حل و فصل اوضاع بحرانی عقل و خرد قاطع شد، نه احساس. وی گفت که نادرستی طرز فکری برخی سازمانها موجب بروز ناسازگاری خود را این هم به نوبه خود باعث عدم رضایت مردم در رشته های اجتماعی و اقتصادی گردید. بنا به گفته او، این مشکلات سال به سال رشد میکند و شکل تندتند آنها در روزهای اخیر متظاهر شد.

روزنامه تربیونالودوارگان کمیته مرکزی حزب متحدکارگلهستان در سر مقاله خود نوشت:

"ما امروز مسائل بفرنج در دناکی را مورد بحث و گفتگو قرار دادیم. در این روزها هیچک از این مسائل منوعه شده نمی شود. میلیونها تن در باره هر یک از این مسائل فکر و بحث می کنند و نیروی عظیم مادر زمین است. ما باید هر چه از دستمان ساخته است، به کار بریم تا از این نیروی منوعه رفا و وترقی همگان استفاده شود. ولی برای این مقصود لازم است که ابتدا از بحران خارج شویم و به کار عادی و فعالیت عادی کلیه دستگا های زندگی مان برگردیم و محیط منظم و آرامش، عقل سلیم و تعادل فکری و حس مسئولیت در رفتار را به وجود آوریم. روزنامه تربیونالودو سپس

احزاب پاکستان بر ضد رژیم ضیاءالحق متحد میشوند

در کراچی رهبران احزاب عمده پاکستان برای هماهنگی اقدامات در جهت لغو حالت فوق العاده و اعاده دموکراسی به کشور تشکیل جلسه دادند. احزاب مختلف پاکستان در هفته های اخیر رژیم دست نشانده ضیاء الحق را بخاطر سرکوب آزادی ها و خدمت به منافع امپریالیسم آمریکا، شدیداً محکوم کرده اند. کنفرانس کراچی در حالی برگزار میشود که رژیم دیکتاتوری پاکستان، فشار و سرکوب را افزایش میدهد.

کنفرانس همبستگی با لیبی رژیم سر-سپرده سادات و موافقتنامه خائنانه کمپ دیوید را محکوم کرد

کنفرانس همبستگی با لیبی در طرابلس بکا رخودیا بیان داد. این کنفرانس در قطعنامه خود رژیم سرسپرده سادات و موافقتنامه خائنانه کمپ دیوید را شدیداً محکوم و اعلام کرد که رژیم سادات نیروهای خود را در مرز لیبی مستقر میکند، تا این کشور را مرعوب سازد و از راه مبارزه قاطع با امپریالیسم و صهیونیسم بازدارد. در قطعنامه همچنین اضافه شده است که سادات، بدستور آمریکا، خاک مصر را به مرکز آموزش خرابکاران تبدیل کرده است، تا علیه انقلاب ایران و در آفریقا مداخله کند.

می نویسد:

برای اینکه بهترین راه خروج از اوضاع موجود در دریاییم، باید تضمین کنیم که آن نیروهایی که به وجود لهستان سوسیالیستی ذینفع نیستند و ویرانی و هرج و مرج بیارمی آورند و کلیه کسانی که از شعار هر چه بدتر برایمان بهتر بیرونی می کنند، در امر ممان مداخله نخواهد کرد. روزنامه تربیونالودو همسه کمونیستها و کلیه لهستانها را فرا می خواند که اقدامات مجد انهایه عمل بیاورند، تا اینکه بحران موجود از میان برود و زندگی عادی در کشور احیا شود.

سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان برای دفاع از میهن و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متحد شویم!

پدر خونخوارش انتخاب کرده اند و خواب پمسلطنت رساندن او را می بینند. در این شرایط، وقاحت ضد انقلاب یحیی رسیده است که هواداران بختیار، اعلامیه های خود را در سطح وسیعی در دانشگاهها پخش می کنند، و آنطور که در روزهای گذشته شاهد بودیم، در آمریکا و انگلستان، مجالس سخنرانی ترتیب می دهند و دست به تظاهرات میزنند. ضدانقلاب از شکل خود دو هدف را دنبال می کند: اول سازماندهی فعالیت های ضدانقلاب در داخل کشور و سپس سر بازگویی از میان ایرانیانی که به خارج از کشور آمده اند، برای پیوستن به ضد انقلاب داخل کشور. هموطنان!

هموطنان! هر روز که می گذرد، انقلاب خلتی و شکوهند ایران، توطئه های را از سر می گذرانند. ضدانقلاب، هر روز از روز پیش جری تر می شود، اینک بمرز به میدان آمده است. ضد انقلاب، که آشکارا از جانب امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا حمایت و هدایت می شود، در سطح وسیعی به جمع آوری و تشکل نیروهای خود دست زده است. ضدانقلاب متشکل میشود. این خطری است که باید آتزا افشاء نمود و با آن رژیم بر طبق اخباری که در قیامه سیا ساخته «خبر ایران» منتشر کرده است:

اویسی، جلاد شاه، خواستار تشکیل یک رهبری دسته جمعی برای «تجارت» ایران شد. ارتشبد شاه خائن، آریانیان فاشیست، ایجاد سرفرماندهی ضد انقلاب را با شرکت خود او، اویسی و از هاری اعلام کرد. ضدانقلابیون آسیا، اروپا، آمریکا در جزیره هلکولند جلسه ای برای هماهنگی تشکیل دادند، تا فعالیت های سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را علیه رژیم انقلابی ایران هماهنگ سازند. ۱۱ سازمان به اصطلاح میهن پرست از کشورهای اروپای غربی و آمریکا، جبهه به اصطلاح «آزادی ایران» را تشکیل دادند. همه این اقدامات در شرایطی انجام می گردید که، ضدانقلابیون، متحدان فرزند طایف را به جانشینی



پلیس فرانسه تظاهرات ماهیگیران اعتصابی را درهم شکست

پلیس فرانسه تظاهرات ماهیگیران اعتصابی را در پاریس، با گاز اشک آور و با طوم درهم شکست. ماهیگیران فرانسه چند هفته است که بعنوان اعتراض به اخراج بی رویه کارگران کشتی های ماهیگیری دست به اعتصاب زده اند. ماهیگیران همچنین خواهان افزایش کمکهای مالی دولتی هستند. اتحادیه های ماهیگیران اعلام کرده اند که اگر دولت به تقاضاهای ماهیگیران محروم توجه نکند، محاصره بنا در فرانسه از سر گرفته خواهد شد.

درمان رایگان برای افراد کم درآمد در زیمبابوئه

دولت زیمبابوئه با انتشار فرمانی افراد کم درآمد را مشمول خدمات رایگان پزشکی قرار داد. طبق این فرمان، اکثریت افراد در روستا نشین مشمول این فرمان میشوند. دولت زیمبابوئه قصد دارد در آینده نزدیک همه افراد را مشمول درمان رایگان قرار دهد.

خرابکاری چین در جنوب شرقی آسیا، صلح و آرامش منطقه را بخطر انداخته است

وزارت خارجه کامبوج در بیانیه ای اعلام کرد که صلح و آرامش تنها هنگامی در جنوب شرقی آسیا برقرار خواهد شد، که بکن از خرابکاری در منطقه دست بردارد. در بیانیه اضافه شده که بکن از تجزیه طلبان در برمه، هند و دیگر کشورهای منطقه حمایت کرده و با امپریالیسم آمریکا همدست شده و از گروه های نژادی چینی در کشورهای آسیای جنوب شرقی برای خرابکاری استفاده می کند.

بیزک کارمل: امپریالیستها کوچکتر از آنند که چرخ تاریخ را بعقب برگردانند

بیزک کارمل، رهبر افغانستان، اعلام کرد که در حالیکه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از افغانستان دفاع میکنند، محافل امپریالیستی و ماژولیت های بکن تلاشی دارند تا مین ارضی و حاکمیت افغانستان را خدشه دار سازند. کارمل گفت که اگر حمایت اتحاد شوروی نبود، افغانستان با احتمال بسیار زیاد استقلال خود را از دست میداد و بنا بر این مردم افغانستان از اتحاد شوروی بخاطر کمک و حمایت از جبهه کمک نظامی به افغانستان سپاسگزارند. رهبر افغانستان تاکید کرد که امپریالیست ها و بکن و ارتجاع جهانی موفق نخواهند شد انقلاب مردم افغانستان را خفه کنند و این کشور را به پایگاه تجاوز علیه کشورهای ملت های آزادیخواه شرق تبدیل نمایند. تلاش های مذمومانه امپریالیسم و بکن در این راه محکوم به شکست است. امپریالیست ها کوچکتر از آنند که چرخ تاریخ را به عقب برگردانند. کارمل گفت که مردم افغانستان در مبارزه با ضد انقلابیون پیروز می شوند و از سوی دیگر وحدت و یکپارچگی حزب روز به روز مستحکمتر می شود. رهبر افغانستان با رد دیگری داور شد که تنها راه حل و فصل مسائل، قطع مداخله خارجی در امور افغانستان و قطع گسیل ضد انقلابیون به افغانستان است.

درجهان سوسیالیسم

صندوق مصرف اجتماعی اتحاد شوروی در چهل سال گذشته ۲۳ برابر شده است

یکی از منابع افزایش درآمد واقعی سرانه زحمتکشان شوروی صندوق مصرف اجتماعی است، که در حدود هشتاد درصد آن از بابت بودجه دولتی و بقیه آن از سوی سود واحدهای اقتصادی و تعاونی ها تأمین می شود. این صندوق، که بدون در نظر گرفتن مقدار کار افراد، در میان آنها تقسیم می گردد، در چهل سال گذشته ۲۳ برابر شده است.

در حالی که در سال ۱۳۴۹، یک خانواده چهار نفره بطور میانگین، سالانه ۱۰۵۲ روبل از بابت صندوق مصرف اجتماعی دریافت می داشت، این رقم در سال ۱۳۵۷ به ۱۶۱۶ روبل رسید و اکنون به ۱۷۵۰ روبل افزایش یافته است. نیمی از این مبلغ را پرداخت های مستقیم، چهل درصد آن را خدمات رایگان و ده درصد بقیه را کمک هزینه تشکیل می دهد.

بیش از ۸۰ درصد صندوق مصرف اجتماعی به آموزش، بهداشتی و امنیت اجتماعی اختصاص می یابد. هزینه های نام برده برای هر شهروند شوروی برابر با ۴۰۴ روبل می شود. مصارف بهداشتی و تربیت بدنی، که در اتحاد شوروی از بابت صندوق مصرف اجتماعی تأمین می گردد (یعنی بهداشتی رایگان، اقامت در آسایشگاه ها و ورزش) در سال ۱۳۴۴، ۶/۹ میلیارد روبل بود، این رقم در سال ۱۳۵۴ به ۱۲/۹ میلیارد روبل و در سال ۱۳۵۸ به ۱۳/۶ میلیارد روبل رسید.

درجهان سرمایه داری

در آمریکا به رئیس جمهور پازنشسته بد نمی گذرد!

در ایالات متحده آمریکا، دیگر سنت شده است که رئیس جمهور، پیش از تحویل مقام خود، اشک نسیاح بریزد! اما واقعیت آنست که او به مخلاف پنج میلیون آمریکایی که اینک بیکارند و بیسوادند در جستجوی کار تلاش می کنند، می تواند مطمئن باشد که آینده درخشانی در انتظارش خواهد بود.

برای نمونه، نیکسون، که بر اثر افتخار و اثر گیت جمهور به استعفا شد، سالانه ۸۴۰۰۰ دلار حقوق بازنشستگی دریافت می کند (۶۵ هزار دلار بابت ریاست جمهوری و ۱۹۰۰۰ به خاطر نمایندگی کنگره). وی علاوه بر این، دفتری مرکب از ۸ همکار دارد، که دولت حقوق آنها را می دهد. دولت آمریکا همچنین متحمل هزینه سفر، وسایل کار و کرایه خانه نیکسون می شود. هزینه های نام برده در سال گذشته متجاوز از ۲۳ هزار دلار بود. به این مبلغ باید همچنین مخارج سنگین محافظت از رئیس جمهور اسبق و خانواده او را افزود. یادآور می شویم که این گونه مخارج در مورد خانواده فورد در سال ۱۹۷۸ بیش از ۲/۲ میلیون دلار بود.

حال که از فورد سخن رفت، بد نیست به موضوع بازنشستگی او نیز نظری بیافکنیم. جرال فورد سالانه ۱۰۶ هزار دلار حقوق بازنشستگی می گیرد و ۱۲ همکار دارد، که از دولت سالانه ۱۵ هزار دلار حقوق دریافت می کند. مخارج دفتر فورد در سال ۱۹۷۸، ۲۹۱۶۸۵ دلار بود، که از ارقام زیر تشکیل می شد: تلفن: ۲۳۴۸۷ دلار، روزنامه مجله: ۹۷۹ دلار، کل: ۲۳۴۹ دلار، هزینه سفر: ۲۹۹۴۴ دلار. البته حقوق بازنشستگی تنها منبع درآمد روسای جمهوری سابق آمریکا نیست. مثلا نیکسون تا به حال ۱/۵ میلیون دلار بابت کتابها و مصاحبه های تلویزیونی خود دریافت داشته است. فورد در ازای همکاری خود با «انستیتی کارفرمایان آمریکا»، سالانه ۵۰ هزار دلار عایدی دارد. فزون بر این، جرال فورد به اتفاق همسرش، قراردادی به مبلغ یک میلیون دلار برای نوشتن خاطراتش با یک بنگاه انتشاراتی منعقد کرده است. وی همچنین قرارداد دیگری به مبلغ ۱/۵ میلیون دلار با ایستگاه های تلویزیونی بسته است. به نظر می رسد که ریاست جمهوری در آمریکا بد کسب و کاری نباشد.

هنر کلام...

به شدت مجروح کردند. مسلم است که مناظره و تبادل افکار زمانی مثبت و دارای ارزش انقلابی است که هدف از برگزاری آن سازندگی در جهت تحکیم مواضع انقلاب و تقویت وحدت و یکپارچگی تمام زحمتکشان و نیروهای ضد امپریالیستی در برابر یورش امپریالیسم باشد. اینجا دمنظره تفرقه آمیز و در محیط تشنج و پیرا ز تحریک بر روی مفاصین به کلی دور از زندگی واقعی جامعه و مطابق میل تفاتی افکنان و دشمنان انقلاب، در شرایط حساسی فعلی فقط می توان تجدید ثبات فکری و تضعیف کننده انقلاب و در جهت خلاف ضرورت اتحاد و همبستگی مردم باشد. در شرایط حساس

طبقه کارگر لهستان تحت تأثیر فعالیت خرابکارانه عناصر ضدسوسیالیستی قرار نمیگیرد

مطبوعات لهستان گزارش می دهند که دولت، با شرکت شورای مرکزی اتحادیه های کارگری، مسائل مربوط به تدارک برنامه در جهت اجرای مقرراتی را که از توافق میان کمیته های دولتی و کمیته های بین کارخانه های ناشی شده، مورد بررسی قرار می دهد. انتظار می رود که این مسئله بزودی در اجلاس پارلمان مورد بحث قرار گیرد. در این اجلاس پینوکوفسکی، رئیس شورای وزیران، برنامه دولت را تقدیم خواهد کرد.

از سوی دیگر گزارش می رسد که در مابین کار از سر گرفته شده است. مطبوعات لهستان گزارش می دهند که برغم از سر گرفته شدن کار در موسسات، اوضاع در کشور بطور کلی بیچیده و بیفرج است. مطبوعات لهستان به لزوم حفظ نقش رهبری کنندگان حزب متعهد کارگری در کشور و تحکیم پیوندهای آن با طبقه کارگر و با همه زحمتکشان تاکید می کنند.

نیروهای ضد سوسیالیستی در کشور بیوقفه به فعالیت خراب-

کارانه خود ادامه می دهند. روزنامه فریونا لودو، از گن کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، در سرمقاله ای تحت عنوان «مطبوعات بی توجیه»، خاطر نشان می سازد که، در حالیکه طبقه کارگر لهستان برای تثبیت اوضاع در کشور و برای فاتح آمدن بر مشکلات و بازگرداندن موسسات به روند عادی تولیدی تلاش می کند، نیروهای مخالف لهستان، برای وخیم تر کردن روند های منفی بشدت تلاش می کنند. این مقاله به روشنی روابط متقابل این عوامل را با نیروهای ضدسوسیالیستی، که خارج از مرزهای لهستان فعالیت می کنند، عریان می سازد.

فریونا لودو بویژه به نقش روزنامه ها و ایستگاه های رادیویی، که بظاهر روش خصمانه نسبت به لهستان، شهرت رسوائی دارند، اشاره کرده و می نویسد: این ارگانها ناگهان بیاد «هیستکی» و «دهد های مشترک» با لهستانیا

اقدامات دیوید باصلاح رادیوی آزاد اروپا بیش از دیگران همچنان نشان می دهد و دست به چنگ روانی علیه سوسیالیسم زده است. روزنامه نیویورک تایمز نیز به تلاش گسترده ای دست زده است، تا از رویدادهای لهستان پسرای ایجاد شکاف میان لهستان و هسایکان و متحدان آن استفاده کند. این روزنامه شمار هوسویالیسم برای همه را مطرح می کند، که به منی جایگزین یک نظام دیگر بجای نظام اجتماعی موجود است. عقیده مشابهی از طرف «تایمز» در لندن نیز آمده است. فریونا لودو می افزاید: حزب متحد کارگری لهستان و طبقه کارگر چشم خود را بر این واقعیت نمی بندند که نیروهای دشمن سوسیالیسم نمی توانند بر جریان رویدادها در لهستان اثر گذارند و به خرابکاری اینستولوزیک و سیاسی دست بزنند. پاسخها به تلاش هایی از این نوع روشن و

بدون ابهام است: اصول اساسی توسعه سوسیالیستی، از جمله اصول اساسی نقش رهبری حزب مارکسیست - لنینیستی، بی ترزول باقی مانده و در این مورد هیچ شبهه ای نباید باشد. طبقه کارگر لهستان اجازه نمی دهد که تحریک شود و در نظام سوسیالیستی خرابکاری صورت گیرد.

روزنامه فریونا لودو می افزاید: از جمله اصول اساسی ما اتحاد ترزول ناپذیر با اتحاد شوروی و پیوندهای دوستی است که کشور ما را در زمینه های مختلف با کل جامعه سوسیالیستی پیوند میدهد. فریونا لودو دریایان می نویسد: بر نتیجه بودن امیدهای واهی نیروهای دشمن لهستان بخوبی روشن است. ما باید دائما مراقب باشیم که اصول سوسیالیستی در کشور عملابوسیله دشمنان سیاسی و اینستولوزیک آن در معرض خرابکاری قرار نگیرد. ما قطعاً با مراکز ضد لهستانی و ضد سوسیالیستی مبارزه خواهیم کرد و طبقه کارگر لهستان و تمام جامعه نیز بر این عقیده است.

تقویت سپاه پاسداران

در نامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (جمهوری اسلامی - ۱۳ شهریور ۵۹) نشان می دهد که چگونه این جوانان پرشور، که خدمتشان چنین پراخ است، آماج اتهامات گوناگون قرار گرفته اند. سپاه پاسداران در در نامه خود می نویسد:

«امریکای جهانخواه ما را دزدان دریائی خطاب میکند گروه های ضد خلقی، مرتجع و فالاترمان میخوانند و مسئولین مملکتی مظهر یسرتظمی و...»

در این در نامه سپاه پاسداران به تفصیل درباره اقداماتی که از سوی ارگانهای مختلف علیه سپاه پاسداران بناحق انجام شده، یاد میکند: از بازداشت زندانی کردن و سر تراشیدن پاسدار، از اهانت افسران کلاتری به پاسدار و زدن دستبند بپشت ایشان، تیر اندازی بگردن پاسدار وسیله خسرو قشقائی و اهانت و دشنام گوئی به یک پاسدار بیمار، در بیمارستان هدایت تهران و...»

حجت الاسلام محلاتی، نماینده امام در سپاه پاسداران، در جلسه ۱۳ شهریور ۵۹ مجلس شورای اسلامی، توطئه هایی که در مورد سپاه پاسداران وجود دارد، افشا کرده و گفته است:

«... اخیراً کله نیروهای خود را بسج کرده و تصمصم گرفته اند این جمهوری را از بین ببرند. باید در درجه اول تمام نیروهایمان را برای درهم کوبیدن توطئه ها بکار ببریم. در غرب کشور نیروهای مسلح ما درگیر هستند و سپاه پاسداران در پیشانی آنها می جنگد. ولی با کمال تسفوسائل رزمی این سپاه ناقص است. پاسداران که از ده ماه قبل تک کتون یش از ۵۰۰ نفر شدید دادند و جان پر کف با ضد انقلاب می جنگند، احتیاج به وسائل دارند. من باید این مسائل را بگویم. ارتش و مسئولین مکلفند

در اسرع وقت نیزه های این سپاه را تکمیل کنند چرا که تا گسر سپاه نباشد انقلاب نخواهد بود. اکنون توطئه های هست که می خواهند سپاه را تصمصف کنند... مثلاً روزنامه کیهان یک خبر دروغ را با تیری تحریک آمیز عنوان میکند و غیر مستقیم سپاه پاسداران را زیر ضرب میگیرد. ما تصمصم گرفته ایم سپاه پاسداران را اولاً از عناصر ناپاک تصمصف کنیم و لاینا با استفاده از نیروی انسانی آزا تقویت کنیم.

تردید نیست تصمصف سپاه پاسداران، تصمصف انقلاب نابودی سپاه پاسداران، نابودی انقلاب است. اکنون که انقلاب ایران آماج مستقیم هجوم امپریالیسم آمریکا است، تصمصف نهادهای انقلاب، حلقه های از توطئه های امپریالیستی است. دشمن قصد دارد این نهادها را تصمصف کند و آنها را از سر راه خود بردارد. تا انقلاب راد کل خود به نابودی بکشاند از اینجهت است که بلید کاملاً هشیار بود و نهاد های انقلابی و پیوسیزه سپاه پاسداران را از هر جهت تقویت کرد. هم باید سپاه را مجرب و مسلح و آماده نگاهداشت و هم، همانطور که حجت الاسلام محلاتی خاطر نشان ساخته، با تصمصف مقوف آن از عناصر ناپاک، مشکوک و ضد انقلابی، به تحکیم و اختیار آن یاری رساند.

آنان که برای انقلاب ازجان و زندگی خود مایه گذاشته اند نباید خدمتشان از دید کاشنی چنین پراخ باشد، که بخواهند با اخلاص و کارشکنی به نقش موثر سپاه پاسداران در مسداضه از انقلاب لطمه وارد سازند. به گفته امام خمینی:

«... که این جوانهای بیچاره ما تلف شوند و بز هم از آنها قدراتی نشود و توی سرشان زده شود، هی کشته بدهند و هر توه سری بخورند، هی کشته بدهند و هر تکفیر بشوند، تا کی باید ما اینها را تحمل بکنیم؟»

برای اطلاع علاقمندان به نشریات حزب توده ایران

انتشارات حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که فقط مسئولیت انتشار کتابهایی را بعهده دارد که با آرمان مخصوص انتشارات حزب توده ایران، به چاپ می رسد. گله مشاهده می شود که برخی از دکها و کتابفروشیها در کنار نشریات حزب ما، جزوه ها و کتابهایی را که محتوای آنها مورد تایید حزب توده ایران نیست، برای فروش عرضه می دارند.

طبیعی است که وجود چنین نشریاتی در کنار کتابهای دارای آرم انتشاراتی حزب توده ایران بیچوجه نباید برای خریداران چنین تصویری را پدید آورد که گویا این نشریات با تایید حزب توده ایران، به چاپ رسیده است.

از جمله نشریاتی که فروش آنها در برخی از دکها و کتابفروشیها با عرضه نشریات حزب توده ایران همراه بوده، جزوه هایست به نام شاخ آفریده که محتوای آن به حق مورد اعتراض بسیاری از علاقمندان به نشریات حزب ما است و آنها را به توشن نامه های اعتراض آمیز علیه این نشریه وامی دارد.

بدین وسیله با اطلاع همه علاقمندان به نشریات حزب توده ایران می رسیم که این نشریه هیچگونه ارتباطی با انتشارات حزب توده ایران ندارد.

ما از مسئولان دکها و کتابفروشیهای علاقمند به نشریات حزب توده ایران انتظار داریم، که برای جلوگیری از این نوع سوء تفاهات زیان بخش، از فروش نشریات دارای محتوای مغضوب و مشکوک در کنار نشریات حزب ما، خودداری کنند.

۷ هزار تاجیک در تبریز!

کیهان یافت. همین خبر اعزام ۷ هزار تاجیک به تبریز را، هیچ روزنامه دیگری جز «کیهان» نتوانست.

آقای دکتر یزدی پس از انتصاب به سرپرستی کیهان، گاهی سرمقاله می نوشتند. در گرامر کومه توطئه کودتای نافرجام ۱۸ تیرماه، ایشان روزی صحت گرفتند و در تمام این مدت یک کلمه بقلم ایشان در محکومیت کودتا نوشته نشد. دلیل آنرا نمی دانیم، نه بیمار بودند و نه در سفر. حتما گرفتاریهای دیگری داشتند. اما روزنامه کیهان بدون سرمقاله در محکومیت کودتا بیرون آمد. کسانی که تردید دارند، بروند روزنامه کیهان را در تمام طول این مدت نگاه کنند. مباد که ما آقای دکتر یزدی را متهم به «وابستگی» کنیم. اینگونه تهمت های ناجوانمردانه از زبان ما شنیده نمی شود. ما میگوئیم طرز فکر ایشان طوریت است که درج خبر ددوع اعزام ۷ هزار تاجیک به تبریز، برایشان مهش از اظهار نظر درباره کودتایست که سر نخش در دست امریکائیان است. ما میگوئیم سیاست ضد شوروی بر تفکر ایشان تسلط دارد، و بیچین دلیل هر خبر ددوع ضد شوروی را هم روی هوا می قاپند. میگوئیم مخالفت جدی ایشان با اتحاد شوروی بدلیل اعتقاد ایشان به لزوم نزدیکی ایران به دنیای سر- مایه داری است. این سیاست را در زمان وزارت امور خارجه خودشان داشتند و پس از تصدی سرپرستی کیهان، به این روزنامه منتقل کرده اند. پیاده کردن این سیاست در راه دارد: یا تبلیغ آشکار لزوم همکاری با غرب، که در شرایط کنونی ایران ممکن نیست، و یا دجو سازی بر ضد «شرق» که آقای دکتر یزدی این راه کم خطر را انتخاب کرده اند.

آقای دکتر یزدی پس از انتصاب به سرپرستی کیهان، گاهی سرمقاله می نوشتند. در گرامر کومه توطئه کودتای نافرجام ۱۸ تیرماه، ایشان روزی صحت گرفتند و در تمام این مدت یک کلمه بقلم ایشان در محکومیت کودتا نوشته نشد. دلیل آنرا نمی دانیم، نه بیمار بودند و نه در سفر. حتما گرفتاریهای دیگری داشتند. اما روزنامه کیهان بدون سرمقاله در محکومیت کودتا بیرون آمد. کسانی که تردید دارند، بروند روزنامه کیهان را در تمام طول این مدت نگاه کنند. مباد که ما آقای دکتر یزدی را متهم به «وابستگی» کنیم. اینگونه تهمت های ناجوانمردانه از زبان ما شنیده نمی شود. ما میگوئیم طرز فکر ایشان طوریت است که درج خبر ددوع اعزام ۷ هزار تاجیک به تبریز، برایشان مهش از اظهار نظر درباره کودتایست که سر نخش در دست امریکائیان است. ما میگوئیم سیاست ضد شوروی بر تفکر ایشان تسلط دارد، و بیچین دلیل هر خبر ددوع ضد شوروی را هم روی هوا می قاپند. میگوئیم مخالفت جدی ایشان با اتحاد شوروی بدلیل اعتقاد ایشان به لزوم نزدیکی ایران به دنیای سر- مایه داری است. این سیاست را در زمان وزارت امور خارجه خودشان داشتند و پس از تصدی سرپرستی کیهان، به این روزنامه منتقل کرده اند. پیاده کردن این سیاست در راه دارد: یا تبلیغ آشکار لزوم همکاری با غرب، که در شرایط کنونی ایران ممکن نیست، و یا دجو سازی بر ضد «شرق» که آقای دکتر یزدی این راه کم خطر را انتخاب کرده اند.

آقای دکتر یزدی پس از انتصاب به سرپرستی کیهان، گاهی سرمقاله می نوشتند. در گرامر کومه توطئه کودتای نافرجام ۱۸ تیرماه، ایشان روزی صحت گرفتند و در تمام این مدت یک کلمه بقلم ایشان در محکومیت کودتا نوشته نشد. دلیل آنرا نمی دانیم، نه بیمار بودند و نه در سفر. حتما گرفتاریهای دیگری داشتند. اما روزنامه کیهان بدون سرمقاله در محکومیت کودتا بیرون آمد. کسانی که تردید دارند، بروند روزنامه کیهان را در تمام طول این مدت نگاه کنند. مباد که ما آقای دکتر یزدی را متهم به «وابستگی» کنیم. اینگونه تهمت های ناجوانمردانه از زبان ما شنیده نمی شود. ما میگوئیم طرز فکر ایشان طوریت است که درج خبر ددوع اعزام ۷ هزار تاجیک به تبریز، برایشان مهش از اظهار نظر درباره کودتایست که سر نخش در دست امریکائیان است. ما میگوئیم سیاست ضد شوروی بر تفکر ایشان تسلط دارد، و بیچین دلیل هر خبر ددوع ضد شوروی را هم روی هوا می قاپند. میگوئیم مخالفت جدی ایشان با اتحاد شوروی بدلیل اعتقاد ایشان به لزوم نزدیکی ایران به دنیای سر- مایه داری است. این سیاست را در زمان وزارت امور خارجه خودشان داشتند و پس از تصدی سرپرستی کیهان، به این روزنامه منتقل کرده اند. پیاده کردن این سیاست در راه دارد: یا تبلیغ آشکار لزوم همکاری با غرب، که در شرایط کنونی ایران ممکن نیست، و یا دجو سازی بر ضد «شرق» که آقای دکتر یزدی این راه کم خطر را انتخاب کرده اند.

آن در صدمی از درستی که آقایان نوشته اند، کدام است؟ هفت هزار تاجیک سوزن اند که در شهر تبریز کم شوند و کسی خبردار نشود، که آقایان آن خبر را روی تلکسی خبر- گزارها بگیرند؟ این چه عقل ملاصرالدینی است که خبر تبریز را از تلکسی خبرگزاری فرانسه می گیرد و گوشه تلفن را بر نمیدارد و از استناداری آذربایجان شرقی در تبریز نمهرسد؟ آیا میتوان قبول کرد که در اینگونه اعمال غرض خاصی نبهت نیست و مجموعه این اغراض، «خطمش» تازه روزنامه کیهان پس از انتصاب آقای دکتر یزدی به سرپرستی آن روزنامه نیست؟

اعتراض ما به درج این خبر ددوع، اعتراض به این خطمش است، نه اعتراض به اشتباه در درج یک خبر، که ممکن است برای هر روزنامه ای پیش بیاید. مقاله «گذری و نظری» بار دیگر ثابت میکند که درج این گونه اخبار ددوع در سمت مین، جزء خطمش روزنامه است، نه حادثه های تصادفی.

آیا روزنامه کیهان، بهمان اندازه که دجو سازی ضد شوروی میکند و به اصطلاح هم «شرق» را میکوبد و هم «غرب» را؟

شماره های چند ماه اخیر کیهان را ورق میزنیم، می بینیم که پس از انتصاب آقای دکتر یزدی به سرپرستی کیهان، خطمش روزنامه تغییر کلی کرده، سمت ضد امریکائی در آن بطور محسوس کاهش یافته و سمت ضد شوروی به اوج خود رسیده است. شرجا تلکسی خبر ددوعی بر ضد شوروی پخش میکند، آنرا میتوان در صفحات

آقای دکتر یزدی پس از انتصاب به سرپرستی کیهان، گاهی سرمقاله می نوشتند. در گرامر کومه توطئه کودتای نافرجام ۱۸ تیرماه، ایشان روزی صحت گرفتند و در تمام این مدت یک کلمه بقلم ایشان در محکومیت کودتا نوشته نشد. دلیل آنرا نمی دانیم، نه بیمار بودند و نه در سفر. حتما گرفتاریهای دیگری داشتند. اما روزنامه کیهان بدون سرمقاله در محکومیت کودتا بیرون آمد. کسانی که تردید دارند، بروند روزنامه کیهان را در تمام طول این مدت نگاه کنند. مباد که ما آقای دکتر یزدی را متهم به «وابستگی» کنیم. اینگونه تهمت های ناجوانمردانه از زبان ما شنیده نمی شود. ما میگوئیم طرز فکر ایشان طوریت است که درج خبر ددوع اعزام ۷ هزار تاجیک به تبریز، برایشان مهش از اظهار نظر درباره کودتایست که سر نخش در دست امریکائیان است. ما میگوئیم سیاست ضد شوروی بر تفکر ایشان تسلط دارد، و بیچین دلیل هر خبر ددوع ضد شوروی را هم روی هوا می قاپند. میگوئیم مخالفت جدی ایشان با اتحاد شوروی بدلیل اعتقاد ایشان به لزوم نزدیکی ایران به دنیای سر- مایه داری است. این سیاست را در زمان وزارت امور خارجه خودشان داشتند و پس از تصدی سرپرستی کیهان، به این روزنامه منتقل کرده اند. پیاده کردن این سیاست در راه دارد: یا تبلیغ آشکار لزوم همکاری با غرب، که در شرایط کنونی ایران ممکن نیست، و یا دجو سازی بر ضد «شرق» که آقای دکتر یزدی این راه کم خطر را انتخاب کرده اند.

آقای دکتر یزدی پس از انتصاب به سرپرستی کیهان، گاهی سرمقاله می نوشتند. در گرامر کومه توطئه کودتای نافرجام ۱۸ تیرماه، ایشان روزی صحت گرفتند و در تمام این مدت یک کلمه بقلم ایشان در محکومیت کودتا نوشته نشد. دلیل آنرا نمی دانیم، نه بیمار بودند و نه در سفر. حتما گرفتاریهای دیگری داشتند. اما روزنامه کیهان بدون سرمقاله در محکومیت کودتا بیرون آمد. کسانی که تردید دارند، بروند روزنامه کیهان را در تمام طول این مدت نگاه کنند. مباد که ما آقای دکتر یزدی را متهم به «وابستگی» کنیم. اینگونه تهمت های ناجوانمردانه از زبان ما شنیده نمی شود. ما میگوئیم طرز فکر ایشان طوریت است که درج خبر ددوع اعزام ۷ هزار تاجیک به تبریز، برایشان مهش از اظهار نظر درباره کودتایست که سر نخش در دست امریکائیان است. ما میگوئیم سیاست ضد شوروی بر تفکر ایشان تسلط دارد، و بیچین دلیل هر خبر ددوع ضد شوروی را هم روی هوا می قاپند. میگوئیم مخالفت جدی ایشان با اتحاد شوروی بدلیل اعتقاد ایشان به لزوم نزدیکی ایران به دنیای سر- مایه داری است. این سیاست را در زمان وزارت امور خارجه خودشان داشتند و پس از تصدی سرپرستی کیهان، به این روزنامه منتقل کرده اند. پیاده کردن این سیاست در راه دارد: یا تبلیغ آشکار لزوم همکاری با غرب، که در شرایط کنونی ایران ممکن نیست، و یا دجو سازی بر ضد «شرق» که آقای دکتر یزدی این راه کم خطر را انتخاب کرده اند.

آقای دکتر یزدی پس از انتصاب به سرپرستی کیهان، گاهی سرمقاله می نوشتند. در گرامر کومه توطئه کودتای نافرجام ۱۸ تیرماه، ایشان روزی صحت گرفتند و در تمام این مدت یک کلمه بقلم ایشان در محکومیت کودتا نوشته نشد. دلیل آنرا نمی دانیم، نه بیمار بودند و نه در سفر. حتما گرفتاریهای دیگری داشتند. اما روزنامه کیهان بدون سرمقاله در محکومیت کودتا بیرون آمد. کسانی که تردید دارند، بروند روزنامه کیهان را در تمام طول این مدت نگاه کنند. مباد که ما آقای دکتر یزدی را متهم به «وابستگی» کنیم. اینگونه تهمت های ناجوانمردانه از زبان ما شنیده نمی شود. ما میگوئیم طرز فکر ایشان طوریت است که درج خبر ددوع اعزام ۷ هزار تاجیک به تبریز، برایشان مهش از اظهار نظر درباره کودتایست که سر نخش در دست امریکائیان است. ما میگوئیم سیاست ضد شوروی بر تفکر ایشان تسلط دارد، و بیچین دلیل هر خبر ددوع ضد شوروی را هم روی هوا می قاپند. میگوئیم مخالفت جدی ایشان با اتحاد شوروی بدلیل اعتقاد ایشان به لزوم نزدیکی ایران به دنیای سر- مایه داری است. این سیاست را در زمان وزارت امور خارجه خودشان داشتند و پس از تصدی سرپرستی کیهان، به این روزنامه منتقل کرده اند. پیاده کردن این سیاست در راه دارد: یا تبلیغ آشکار لزوم همکاری با غرب، که در شرایط کنونی ایران ممکن نیست، و یا دجو سازی بر ضد «شرق» که آقای دکتر یزدی این راه کم خطر را انتخاب کرده اند.

آقای دکتر یزدی پس از انتصاب به سرپرستی کیهان، گاهی سرمقاله می نوشتند. در گرامر کومه توطئه کودتای نافرجام ۱۸ تیرماه، ایشان روزی صحت گرفتند و در تمام این مدت یک کلمه بقلم ایشان در محکومیت کودتا نوشته نشد. دلیل آنرا نمی دانیم، نه بیمار بودند و نه در سفر. حتما گرفتاریهای دیگری داشتند. اما روزنامه کیهان بدون سرمقاله در محکومیت کودتا بیرون آمد. کسانی که تردید دارند، بروند روزنامه کیهان را در تمام طول این مدت نگاه کنند. مباد که ما آقای دکتر یزدی را متهم به «وابستگی» کنیم. اینگونه تهمت های ناجوانمردانه از زبان ما شنیده نمی شود. ما میگوئیم طرز فکر ایشان طوریت است که درج خبر ددوع اعزام ۷ هزار تاجیک به تبریز، برایشان مهش از اظهار نظر درباره کودتایست که سر نخش در دست امریکائیان است. ما میگوئیم سیاست ضد شوروی بر تفکر ایشان تسلط دارد، و بیچین دلیل هر خبر ددوع ضد شوروی را هم روی هوا می قاپند. میگوئیم مخالفت جدی ایشان با اتحاد شوروی بدلیل اعتقاد ایشان به لزوم نزدیکی ایران به دنیای سر- مایه داری است. این سیاست را در زمان وزارت امور خارجه خودشان داشتند و پس از تصدی سرپرستی کیهان، به این روزنامه منتقل کرده اند. پیاده کردن این سیاست در راه دارد: یا تبلیغ آشکار لزوم همکاری با غرب، که در شرایط کنونی ایران ممکن نیست، و یا دجو سازی بر ضد «شرق» که آقای دکتر یزدی این راه کم خطر را انتخاب کرده اند.

روزنامه کیهان مقاله ای زیر عنوان «گذری و نظری» چاپ کرده و ما را با لحن و کلماتی که چهل سال است گوش ما با آن آشناست، به یاد ناسزا و اتهام گرفته است. ما خرسندیم که این مقاله میا امکان میدهد بخشی ماهوی درباره روش «کیهان» پس از انتصاب آقای دکتر یزدی به سرپرستی این روزنامه باز کنیم و مسئله خبر اعزام ۷ هزار تاجیکستانی به تبریز را نیز از همین زاویه دید مورد بررسی قرار دهیم. زیرا اصل موضوع ناسزا و اتهامات نیست، هر چند ریک و بر پایه باشد، بلکه آنست که روزنامه ای مانند «کیهان» زیر رهبری آقای دکتر یزدی، بیچه سستی میرود و آیا این سمت به انقلاب و مردم ایران سود می رساند و یا زیان و چه باید کرد که سود بیشتر و زیان کمتر باشد. اصل برای ما اینست و ناسزا گوئی و اتهامزنی فرع. مردم یکپار و ولایات جنوب ایران ضربالمثلی دارند که می گویند: فحش از دهان گوینده بیرون می آید و از بینی خودش بالا میرود.

اما اصل موضوع:

۱- آیا آقای دکتر یزدی در درج خبر ددوع اعزام ۷ هزار تاجیکستانی از اتحاد شوروی به تبریز، در روزنامه کیهان مسئولیتی دارد یا خیر؟ در مقاله «گذری و نظری» به این سؤال چنین پاسخ داده میشود:

قبل از هر چیز لازم به یادآوری است که واقعیت این بوده و هست که گرچه آقای یزدی در تعیین خطمش روزنامه دخالت دارند، اما این بدان معنی نیست که شخص ایشان در انتخاب هر خبر ریز و درشت روزنامه دخالت میکنند این وظیفه شورای سردبیری است.

سخن ما بر همین «خطمش» است، که در آن نشر اخبار ددوع برای جو سازی، به یکی از سمتهای اصلی روزنامه کیهان، پس از انتصاب آقای دکتر یزدی تبدیل شده است. اگر نشر خبر اعزام ۷ هزار تاجیکستانی به تبریز، - ددوعی که شاخه ای از هزار فرستگ دیده میشود - در این «خطمش» نمی گنجد، آقای دکتر یزدی مسئول تبعه مربوطه را میخوانست و او را بدلیل نه عمل زشت توپنج می کرد، نه اینکه به سرورس خارجیه دستور بدهد مقاله ای در دفاع از او

آقایان سرورس خارجه، عمدا خود را به کوجه علی چه میزنند. خبر ددوع درباره «تبریز» است و تبریز در خاک ایران است. خبر مربوط به روابط ایران و اتحاد شوروی است. خبر ددوع برای آن جعل شده و در صفحات «کیهان» نقل گردیده که در روابط ایران و اتحاد شوروی اخلال شود. ما سیاست اخلال در

آقایان سرورس خارجه، عمدا خود را به کوجه علی چه میزنند. خبر ددوع درباره «تبریز» است و تبریز در خاک ایران است. خبر مربوط به روابط ایران و اتحاد شوروی است. خبر ددوع برای آن جعل شده و در صفحات «کیهان» نقل گردیده که در روابط ایران و اتحاد شوروی اخلال شود. ما سیاست اخلال در

آقایان سرورس خارجه، عمدا خود را به کوجه علی چه میزنند. خبر ددوع درباره «تبریز» است و تبریز در خاک ایران است. خبر مربوط به روابط ایران و اتحاد شوروی است. خبر ددوع برای آن جعل شده و در صفحات «کیهان» نقل گردیده که در روابط ایران و اتحاد شوروی اخلال شود. ما سیاست اخلال در

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس گفته شد:



آمریکای جهانخوار با تمام نیرو می کوشد جمهوری اسلامی ایران را نابود کند

انگلیستان در جنایات آمریکا شریک است
با امپریالیسم در هیچ شرایطی نمی توانیم سازش کنیم
بازرگانی خارجی باید صددرصد ملی شود

یالیم آمریکا همانطور که امام گفته امروز باید همه فریادمان را بر سر آمریکا بکنیم. امروز تمام توت‌های علی ما، بنیست آمریکاست...

نطق یمنی، عطاالله مهاجرانی، نماینده شیراز، ضمن اشاره به اطلاعاتی که از فارس رسیده، گفت: «خانها سعی می کنند تا نسبت به جمهوری اسلامی بین عشایر دغنه، بوجود آورند و خود را بعنوان حافظ نظم جانشین جمهوری اسلامی ایران کنند...»

وی سپس برای حل این مشکلات و جلوگیری از بوجود آمدن غائله‌ای مانند کردستان در فارس، پیشنهاد هائی بدین شرح کرد: «۱- بوجود آوردن سیستم اطلاعاتی کشف توطئه در منطقه، ۲- ایجاد هماهنگی بین سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی و استفاده از توده مومن و معتقد عشایر، ۳- بوجود آوردن یک دادگله انقلابی در منطقه، ۴- آگاهی دادن به عشایر، چرا که منابع اطلاعاتی آنها اغلب رادپوهای بیگانه است...»

در بیان سخنان خود گفت: «بسیار آنگاه قدرتهای استعماری در قطع رابطه پیشقدم شوند، ما باید پیشقدم باشیم. یا قدرت استعمارگران کنیم، اگر لازم است، باید قطع رابطه کنیم، که قطع رابطه با آنها موجب است برای استقلال و اتکله به خود»

وی در پایان سخنان خود گفت: «باید هرچه زودتر وسایل تولید به صاحبان اصلی اش که سالیان سال از داشتن آنها محروم بودند، سپرده شود و دولت باید تمام امکانات مالی لازم را در اختیار آنان قرار دهد»

جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس ساعت ۱۲:۱۵ پایان یافت و تاریخ جلسه بعدی روز یکشنبه ساعت ۹ صبح اعلام شد.

تنها ملت ما، بلکه دوستان ما در تمام دنیا، در کشورها همی اسلامی و همچنین در کشورهای غیراسلامی اجازه نخواهند داد این جنایات بر جواب بماند...»

سپس متن این نامه فرائد شد. در قسمت از نامه، ضمن اشاره به دانشجویان زندانی و اینکه آنها حاضر نشدند نام خود را به پلیس انگلیستان بگویند، گفته شده بود: «من غم می خورم از دانشجویان، که در سفارت ایران کار می کردند، فاش شد. این مگر به جز به دست عوامل مشکوک که اکنون نیز در وزارت خارجه و سفارت سفارتخانه‌ها، بویژه سفارت انگلیستان پراکنده عمل میکنند...»

در پایان این نامه اشاره شده است که اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی هنوز ادامه دارد. آنگاه ماده واحده‌ای در مورد عدم استفاده نمایندگان از ۱۵ روز تعطیل مصرحه در آئین نامه قرائت شد و ۲ فوریتی بودن آن به تصویب نمایندگان رسید. ماده واحده دیگری که مطرح شد، مربوط به استفاده سپاه پاسداران از متعین خدمت سربازی و آموزش آنان بود. دو فوریتی بودن این ماده واحده، پس از بحث نمایندگان، رد شد و این ماده به کمیسیون مجلس برای رسیدگی ارجاع شد. سپس نوبت به نطق یمنی بعد از دستور جلسه رسید.

موضع مجلس ضد آمریکائی است

زائری، نماینده بندرعباس، به موضوع مجلس شورای اسلامی اشاره کرد و آنرا موضعی ضد ظلم و یزیدگری و ضد آمریکائی توصیف کرد. وی گفت: «ما نمیتوانیم غفل شویم که دشمن ما، شیطان بزرگ آمریکاست. ما از این تریبون باید هر روز اسناد جنایات آمریکا را افشا کنیم. مگر غیر از اینست که تمام بدبختیها و فلاکت‌های ما از آمریکا و سلطه شوم وی بر مردم بوده است؟ هر بار که یک مشکل از مردم ایران مطرح میشود، سندی است علیه امر»

ارتش و مسئولین مکلفند در اسرع وقت نیازهای این سپاه را تکمیل کنند، چرا که اگر سپاه نباشد، انقلاب نخواهد بود. اکنون توطئه‌هایی هست که میخواهند، سپاه را تضعیف کنند... مثلا روزنامه کیهان یک خبر دروغ را با تیتری تحریک آمیز عنوان می کند (مربوط به سپاه پاسداران فرودگاه مهرآباد) و غیر مستقیم سپاه پاسداران را زیر ضرب میگرداند... ما تصمیم گرفته ایم سپاه پاسداران را اولاً از عناصر ناپاک تصفیه کنیم و ثانیاً با استفاده از نیروی انسانی آن را تقویت کنیم و بخاطر همین ماده واحده‌ای با امضاء ۴۰ تن از نمایندگان و با قید دو فوریت به مجلس عرضه میکنم»

وی در پایان سخنان خود، به مسئله قانون ملی شدن معادن و عدم تصویب آن توسط شورای انقلاب اشاره کرد و خواهان تصویب این قانون و بیرون آوردن معادن از دست استثمارگران و سپردن آن به مردم شد. سپس حجت الاسلام رفعتجانی رئیس مجلس در توضیح روند پیشرفت تشکیل کابینه توضیحاتی داد و از جمله گفت:

«پس از مذاکراتی که در شب بیست و دو روز میان رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر انجام شد، تقریباً تمام حاصل شد، لیکن ۴ مورد مانده است که ریاست جمهوری قول داده‌اند ظرف ۳ روز آینده نتیجه تحقیقات خود را در آن موارد اعلام کنند و امیدواریم تا جلسه بعدی مجلس نتیجه کابینه مشخص شده باشد»

جنایات انگلیستان

حجت الاسلام رفعتجانی همچنین در مورد نامه‌ای که دانشجویان ایرانی زندانی در انگلیستان به مجلس شورای اسلامی فرستاده‌اند، توضیح داد و گفت: «انگلیستان اکنون مدتی است که بصورت یکی از اقطار آمریکا درآمد است. البته گذشته انگلیستان هم چیز افتخارآمیزی نیست و مملو از ظلم و ستم و غارتگری و دزدی و جاسوسی پروری در شرق دنیا تا غرب دنیا در آسیا، آفریقا... بوده است، جنایات انگلیستان چیزی نیست که کسی نداند. انگلیستان فکر میکند که ملت ما این ظلم‌ها را نسبت به دانشجویانی می‌بخشد؟ انگلیستان فکر می‌کند ما نمیتوانیم منافع او را در دنیا به خطر بیندازیم؟ من هشدار میدهم که اگر دولت انگلیستان این رویه را دنبال کند، ملت ما و نه

جلسه علنی مجلس، روز پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ با حضور ۱۸۰ تن از نمایندگان تشکیل شد. در ابتدای جلسه، کاظم موسوی بجنوردی، نماینده تهران، بعنوان اولین ناطق قبل از دستور سخن گفت. وی در قسمتی از سخنانش، ضمن اشاره به نداشتن تشکیلات منسجم و برنامه‌ریزی دقیق، برای پیشبرد انقلاب گفت:

«فا وقتی وارد دوران سازندگی شدیم، با مشکلات زیادی روبرو هستیم. چرا که لازم بود میلیونها نفر از مردم را بسیج کنیم، که این امر محتاج داشتن یک سازماندهی و برنامه‌ریزی دقیق بود. بر اثر نداشتن همین‌ها، امثال امیراتظامها و مدنی‌ها در بین ما نفوذ کردند... البته اکنون انقلاب توانسته است تا حدودی امثال آن عناصر ضدانقلاب را بیرون بریزد، چرا که انقلاب ما اصالت دارد و مردمی است...»

کاظم موسوی بجنوردی در قسمتی دیگر از سخنان خود، ضمن اشاره به توطئه‌ها و تحریکات امپریالیسم برای درهم شکستن انقلاب ایران، پیشنهاد کرد که هرچه سریعتر تعاونیهای توزیع در تمام کشور دایر شود و از اینراه دست واسطه‌ها از اقتصاد ایران کوتاه گردد. وی افزود:

«قانون ملی شدن بازرگانی این نیست که وزارت بازرگانی به بختی خصوصی یا فلان سرمایه‌دار اجازه بدهد که فلان کالا را وارد کند. این همان وضع سابق خواهد شد. وزارت بازرگانی باید بازرگانی خارجی را صددرصد ملی کند و تنها از این طریق است که تورم کنترل شده و دست واسطه‌ها قطع میشود»

کاظم موسوی بجنوردی در بخش دیگری از سخنانش ضمن اشاره به توطئه‌های مختلفی که برای تضعیف سپاه پاسداران صورت میگیرد، گفت: «باید این ارگانهای انقلابی را از طریق تصویب بودجه و دادن امکانات مختلف تقویت کنیم».

وی در پایان به لزوم هیبتگی بسا نهت‌های رهاییبخش اشاره کرد و گفت: «ما با امپریالیسم در هیچ شرایطی نمیتوانیم از در سازش درآئیم و با آنستیزه‌جو باشیم. باید درسیاست خارجی هم پیوند با جنبشهای رهاییبخش و بخصوص فلسطین باشیم و برای رهایی فلسطین به کمکهای مادی و معنوی بپردازیم...»

توطئه‌های آمریکا

حجت الاسلام مطهری، نماینده محلات نیز نماینده امام در سپاه پاسداران، سخنران بعدی قبل از دستور جلسه، ضمن اشاره به سخنان نوروزی امام، گفت: «امسال سالی است که باید امنیت به ایران بازگردند... رژیم طاغوتی را ساقط کردیم، اما هنوز گرفتار توطئه‌ها و نقشه‌های خائنه آنها هستیم...»

در حاشیه مجلس: درود بر تو! هنگامی که موسوی بجنوردی نماینده تهران، به سوساستفاده عمدی از بازاریان و سود هنگفت آنها اشاره کرد، حجت الاسلام خلخالی گفت: «مزرعه‌ها هم صد برابر گرانتر شده‌اند، و بجنوردی گفت: «درود بر تو!»

اشخاص متفرقه! بقیه از صفحه ۱ کسانیکه قبل از آنها به اینگونه افساس دست زده‌اند، از هیچکدام مقامات رسمی و ارگانهای انقلابی کشور حرفشونی ندارند، و بهین دلیل کاملاً مشکوکند. ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که حمله به دفتر نشریات احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی، صرفنظر از هر انگیزهای که برای «توجیه» آن بیان شود، عملاً یکی از زمینه‌های اجرای توطئه عظیم ضدانقلاب، برهبری فسیه، برای نابودی جمهوری اسلامی ایران را فراهم میکند. ما بار دیگر هشدار می‌دهیم که ادامه این وضع تنها و تنها بسود دشمنان انقلاب ایران و بزیان انقلاب شکوهمند ماست. ما بار دیگر از مقامات مسئول بویژه دادستان کل کشور و دادستان کل انقلاب، میخواهم که به این وضع خطرناک بسا قاطعیت تمام پایان دهند و یکی از زمینه‌های توطئه دشمن را از میان بردارند.

نیروهای صادق به انقلاب را تأمین کرد. ولی متأسفانه این سبکی صحیح هنوز از مرحله حرف خارج نشده است. اکنون دیگر شرایط فوق‌العاده حساس و بی‌فرج کشور، همراه با خطر جدی ضدانقلاب متشکل در داخل و خطر جدی تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا و عملیات از خارج به ایران، حکم میکند که نیروهای صادق و وفادار به انقلاب در جبهه واحدی متحداً عمل کنند. روش اصولی و تغییر ناپذیر حزب توده ایران، کوشش مداوم برای تأمین وحدت عمل تمام نیروهای صادق انقلابی بوده، هست و خواهد بود. حزب ما علی‌رغم پیشداوریهای که بصورت تکرار تبلیغات دیرپای ضد توده‌ای و یا حتی عملیاتی بر ضد سازمانهای حزب توده ایران بروز کرده، با تشخیص اینکه اگر این تبلیغات و عملیات نه از روی غرض ضد انقلابی باشد، سرانجام متوقف خواهد شد، با تشخیص اینکه تنها جبهه متحد خلق آن نیروی است که میتواند ضدانقلاب را خنثی کند و انقلاب را به پیروزی نهائی برساند، با اعتقاد اینکه تشخیص و تفکیک دوستان و دشمنان انقلاب، چه در داخل و چه در عرصه بین‌المللی، امری نیست که بسرای مدتی دراز بتواند از عهده نیرو-

تشکیل يك «کنگره تمام ملی» بقصد تدارک اقدامات ضرور و به موقع برای خشکاندن زمینه‌های عمل ضد انقلاب، برای تثبیت و تحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، توضیحات و پیشنهادهایی است مستوجب توجه مقامات مسئول و رهبران نیروهای انقلابی هوادار جمهوری اسلامی ایران. واقعبیت تلخ اینستکه نیروهای ضدانقلابی - همانطور که در مصاحبه مشخصاً تصریح شدند در هم‌آهنگی و از طرف يك ستاد واحد، با برنامه‌های مدون عمل میکنند، ولی نیروهای انقلابی هنوز متفرقت و هنوز نتوانسته‌اند در هم‌آهنگی و در اتحاد عمل کنند. در جبهه ضدانقلاب نیروها مشخصاً اند و متحد، ولی در جبهه انقلاب هنوز پیشداوریها، تفرقه افکنیهای ناآگاهانه، ولی بهمان اندازه زیانبخش که تفرقه‌انگیزیهای آگاهانه، در راه اتحاد عمل نیروهای صادق و وفادار به انقلاب ایجاد موانع کرده‌اند. اکنون دیگر همه سخنگویان نیروهای طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و همه مسئولان امور، به پیروی از خواست رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران - امام خمینی، پذیرفته‌اند که باید اتحاد عمل

پیشنهاد حزب... بقیه از صفحه ۱ بهنگام بروز بحران، از طرف دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، بنحوی فشرده، منجز و مشخص تشریح شده است. در مصاحبه بر ضرورت شناخت خطر بزرگی که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بلاواسطه تهدید میکند، تأکید شد و پیشنهاد شده است که: «يك كنگره تمام ملی از همه نیروهای که آماده‌اند از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تهر حرفه، بلکه در عمل و تا پای جان دفاع کنند، تشکیل گردد و يك برنامه تعیین هم نیروها و امکانات در زمینه بالابردن قدرت و مقاومت ملی، در زمینه اقتصادی، فرهنگی و دفاعی، بر پایه اتحاد بزرگ ملی، بر پایه خط امام خمینی و زیر رهبری امام خمینی، اصلی جمهوری اسلامی، یعنی ۴ قوه اصلی قانونگذاری، قضائی و اجرائی، بر پایه تمام متقابل مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهور و دولت تدارک دیده شود».

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود